

۲ دیدگاه

جسارت علیه منافع ملی
سیدحسین مرعشی

۴ کافه

از فرش تا کتاب
سیروس پرهام درگذشت

۵ تاشا

برای آزادی فلسطین
چهره متفاوت خاویز باردم

۲ سیاست

دیدار کند یا نکند؟

جلسه سیاسیون در دفتر رئیس جمهور
در باره سفر پزشکشان به نیویورک

یادداشت روز

تغییر مسیر

چگونه باید به وضعیت
«نه جنگ، نه صلح» پایان داد؟

فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین الملل



در دیدار اخیر رهبری با رئیس جمهور و اعضای دولت، ایشان شرایط کنونی کشور را «نه جنگ، نه صلح» توصیف کرده و آن را خطرناک دانستند. به گفته ایشان، این وضعیت همان چیزی است که دشمنان در پی تحمیل آن هستند؛ شرایطی که نه امکان پیشرفت فراهم می کند و نه اجازه دفاع قاطع می دهد. بنابراین عبور از این بن بست نیازمند تصمیم گیری هوشمندانه و طراحی مسیر آینده است نه انتظار برای تحولات خودبه خودی. ایران امروز با تهدیدات مختلفی روبه روست. هر واکنش ایران می تواند با پاسخ متقابل دشمن همراه شود و شرایط را بحرانی تر کند. چنین بحرانی پیامدهایی فراتر از میدان جنگ خواهد داشت؛ از اختلال در تأمین انرژی و غذا گرفته تا تهدید علیه سلامت عمومی و زیرساخت های حیاتی. از این رو ضروری است، واقع بینانه به موقعیت کشور نگاه کنیم. ایران تنها یک درصد جمعیت جهان و سهمی محدود از منابع دارد؛ ورود به جنگ می تواند این منابع اندک را از بین ببرد و سرمایه گذاران داخلی و خارجی را فراری دهد. ۴۷ سال پس از انقلاب، کشور همچنان در شرایط فوق العاده به سر می برد و بسیاری از نهادها و قوانین به جای عادی سازی بر اساس ضرورت های بحران عمل می کنند. این روند باید تغییر کند. تجربه برجام نشان داد که خروج از التهاب می تواند، موجی از سرمایه گذاری و رونق اقتصادی را به همراه داشته باشد. اما امروز حتی سرمایه گذاران داخلی نیز به دلیل نگرانی از حملات احتمالی و بی ثباتی از مشارکت اقتصادی پرهیز کرده و برخی سرمایه های خود را به خارج منتقل می کنند. این شرایط موجب مهاجرت نخبگان و ورود مهاجرانی با سطح تحصیلات پایین تر شده که ساختار اجتماعی کشور را نیز تحت فشار قرار داده است. کشور در وضعیت بدی قرار دارد و فرصت ها محدودند. برای بازگشت به آرامش و ثبات باید برجام احیا و شرایط «نه جنگ، نه صلح» خاتمه یابد. طرح های مصالحه منطقه ای همچون طرح ملک عبدالله که حمایت کشورهای عربی را دارد، می تواند مبنایی برای کاهش تنش ها باشد. ایران همان قدر به آرامش نیاز دارد که دیگر بازیگران منطقه. بنابراین نباید بیش از دیگران درگیر تنش ها شد. در حوزه هسته ای نیز راهکارهایی برای اعتمادسازی مطرح است. یکی از آنها تشکیل کنسرسیوم بین المللی زیر نظر آژانس انرژی اتمی برای ادامه فعالیت های صلح آمیز است؛ راهکاری که می تواند هزینه ها را کاهش دهد و از نظر سیاسی نیز اعتماد جهانی را جلب کند. همچنین توافق موقت برای توقف غنی سازی و ادامه آن در قالب همکاری جمعی، راهی برای خروج از بحران است. این رویکرد با توجه به اقدامات کشورهای منطقه در توسعه نیروگاه های هسته ای، می تواند جایگاه ایران را در چارچوبی شفاف حفظ کند. بازارهای مالی منطقه نیز نشانه های بی اعتمادی را بروز داده اند. سقوط بورس برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نشان دهنده نگرانی سرمایه گذاران از احتمال حملات نظامی است. اگر وضعیت کنونی در ایران ادامه یابد این نگرانی ها به کشور سرایت کرده و بنیان های اقتصادی را بیش از پیش تضعیف خواهد کرد. برای جلوگیری از این روند باید اعتماد عمومی بازسازی، ثبات سیاسی و امنیتی ایجاد و چشم اندازی روشن برای آینده ترسیم شود. دیپلماسی منطقه ای نقش کلیدی دارد. ایران باید نشان دهد که به دنبال کاهش تنش ها است و آماده مشارکت فعال در طرح های صلح منطقه ای است. چنین اقدامی پیام روشنی به جهان خواهد داد که ایران خواهان ثبات و همکاری است. در این میان اقدامات فنی همچون غنی سازی محدود تحت نظارت شدید آژانس نیز می تواند، مکملی برای اعتمادسازی باشد. در نهایت، ادامه وضعیت کنونی نه آرمان ها را محقق می کند و نه رفاه مردم را تأمین. مردم ایران سال ها است در فضای التهاب زندگی کرده اند و اکنون زمان آن رسیده که رفاه، امنیت و آسایش به اولویت تبدیل شود. تنها از مسیر بازگشت به آرامش، پذیرش مصالحه های منطقی و کنار گذاشتن وضعیت فرسایشی «نه جنگ، نه صلح» می توان به توسعه و رفاه دست یافت. در صورت تحقق این مسیر، بار دیگر سرمایه گذاران به ایران باز خواهند گشت، تولید ملی رشد خواهد کرد و سطح زندگی مردم ارتقا خواهد یافت.



فرصت سازی در دوحه

نشست اضطراری سران کشورهای اسلامی و اتحادیه عرب در قطر برگزار شد
مسعود پزشکیان در حاشیه این نشست با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان
و تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر دیدار و گفت و گو کرد



ابوالفضل خدایی

گروه بین الملل

مسعود پزشکیان رئیس جمهور، عصر دوشنبه در حاشیه نشست فوق العاده دوحه با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی و شیخ تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی، امیر قطر دیدار و گفت و گو کرد. پزشکیان

همچنین در دیدار با محمد شیاع السوداني نخست وزیر عراق با اشاره به تداوم، تشدید و گسترش دامنه جنایات رژیم صهیونیستی با اشاره به اینکه این رژیم قطعاً بدون حمایت و پشتیبانی آمریکایی ها و کشورهای اروپایی، جرأت و جسارت ارتکاب چنین جنایاتی را ندارد، افزود: بنده از همان دوران رقابت های انتخاباتی تا امروز همواره اعلام کرده ام که به دنبال تقویت وحدت و انسجام در کشورم و

نیز در میان کشورهای اسلامی هستم، در عمل نیز این هدف را دنبال کرده ام و تحقق انسجام و وحدت کشورهای اسلامی را مؤثرترین راه مقابله با جنایتکاری رژیم صهیونیستی می دانم. پزشکبان با بیان اینکه اگر همه کشورهای اسلامی دست در دست یکدیگر بدهند، صهیونیست ها جرأت ارتکاب چنین جنایاتی علیه هیچ کدام از کشورهای اسلامی را ندارند، تصریح کرد: اینکه رژیم

صهیونیستی از یک سو با بمباران های مستمر علیه مردم بی دفاع غزه مرتکب جنایت می شود و از سوی دیگر کودکان، زنان و مردان را از گرسنگی قربانی می کند به هیچ وجه قابل تحمل نیست و مسلمانان باید به عنوان ید واحد، در عمل برای توقف این جنایات و وحشی گری های رژیم صهیونیستی تلاش کنند.

ادامه در صفحه ۳



دیدگاه

جسارت علیه منافع ملی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران:
مجلس فعلی، محصول رد صلاحیت‌هاست



سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، روز گذشته در گفت‌وگو با خبرآنلاین به تندی از رفتار اخیر برخی نمایندگان مجلس نسبت به توافق ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی انتقاد کرد. او این واکنش‌ها را نوعی سیاسی‌کاری و حتی تهدیدی برای امنیت ملی دانست و هشدار داد که برخی نمایندگان در پیگیری منافع جناحی و شخصی تا جایی پیش رفته‌اند که حتی توان جسارت به رهبری را نیز دارند.

مرعشی ابتدا به زمینه شکل‌گیری مجلس فعلی پرداخت و گفت این مجلس محصول رد صلاحیت گسترده جریان‌های میان‌مرو، اصلاح‌طلب و حتی اصولگرایان ریشه‌دار است. به اعتقاد او چنین ترکیبی باعث شده، سطح درک سیاسی و ظرفیت تصمیم‌گیری نمایندگان پایین بیاید و به جای همراهی با سیاست‌های کلان نظام، خود را درگیر رفتارهای پرهزینه و بعضاً تخریبی کنند.

او در توضیح بیشتر خاطر نشان کرد: شرایط امروز ایران به گونه‌ای است که نیاز به یک صدای واحد از مجموعه نظام و شخصیت‌های سیاسی در برابر فشارهای خارجی احساس می‌شود. اگر چنین وحدتی شکل گیرد، کشور می‌تواند با هزینه کمتر از مرحله دشوار فعلی عبور کند. با این حال بخشی از نمایندگان مجلس یا اساساً درک سیاسی‌ضعیفی دارند و متوجه سازوکار تصمیم‌گیری در نظام نیستند، یا آن‌قدر دچار خودخواهی و محو قدرت نمایندگی شده‌اند که منافع فردی را بر منافع ملی ترجیح می‌دهند.

مرعشی با انتقاد از تهدید به استیضاح سیدعباس عراقچی و حملات به علی لاریجانی گفت: «رئیس‌جمهور، دبیر شورای عالی امنیت ملی و وزیر خارجه بدون محاسبه و هماهنگی با سیاست‌های کلان نظام تصمیمی نمی‌گیرند. انتظار اینکه وزیر خارجه هر روز از مجلس اجازه بگیرد تا با آژانس مذاکره کند، نگاهی سطحی و غیرمسئولانه است». او این نوع رفتار را مصداق ضرب‌المثل «برای یک دستمال قیطریه را آتش زدن» دانست و تأسف خود را از چنین رویکردی ابراز کرد.

دبیرکل کارگزاران همچنین با اشاره به حضور قالیباف و سعید جلیلی در شورای عالی امنیت ملی تأکید کرد که آنان از مفاد توافق آگاه هستند و تصمیم‌گیری درباره چنین موضوعات پیچیده‌ای در همین شورا انجام می‌شود. به گفته او، وظیفه مجلس در این حوزه صرفاً تصویب لوایحی است که دولت برای قانون‌گذاری ارائه می‌کند و ورود مستقیم نمایندگان به جزئیات توافقات راهبردی، «جسارت علیه منافع ملی» محسوب می‌شود. او این موضع‌گیری‌های تندروها را نه تنها غیرسازنده بلکه برخلاف امنیت ملی کشور توصیف کرد و یادآور شد که در هر حال به نمایندگان مطلع یا نامطلع از مفاد توافق، توضیحات لازم داده می‌شود و نیازی نیست، کل مجلس در این‌گونه تصمیم‌ها مداخله کند.

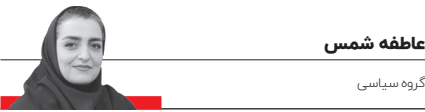
مرعشی در بخش دیگری از سخنان خود به انگیزه‌های سیاسی پشت این حملات اشاره کرد و گفت: چون برخی جریان‌ها قادر به تقد مستقیم رهبری نیستند به کسانی حمله می‌کنند که با اختیارات ایشان در حال ایفای نقش‌اند. با این حال هشدار داد که فضای فعلی مجلس به گونه‌ای است که حتی احتمال جسارت مستقیم به رهبری هم وجود دارد.

به باور او، این نوع برخوردها نه تنها همبستگی ملی را خدشه‌دار می‌کند بلکه کشور را در برابر فشارهای خارجی آسیب‌پذیرتر می‌سازد. او از نمایندگان خواست به جای جدل‌های جناحی، منافع ملی را در اولویت قرار دهند و اجازه دهند، نهادهای ذی‌صلاح همچون شورای عالی امنیت ملی مسیر سیاست‌گذاری کلان را پیش ببرند.

مرعشی در پایان تأکید کرد که اختلافات داخلی نباید به ابزاری برای تضعیف مواضع ایران در برابر آژانس و قدرت‌های خارجی تبدیل شود زیرا در این شرایط حساس بیش از هر زمان دیگر نیاز به صدای واحد و هماهنگی درون حاکمیتی وجود دارد.

دیدار کند یا نکند؟

جلسه سیاسیون در دفتر رئیس‌جمهور برای سفر پزشکیان به نیویورک



عاطفه شمس

گروه سیاسی

سفر هر ساله رئیس‌جمهور ایران به نیویورک برای حضور در نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در چهار دهه گذشته همواره به صحنه‌ای برای تبیین مواضع جمهوری اسلامی ایران، نمایش تقابل یا تعامل با قدرت‌های جهانی و بازتاب پیام‌های سیاسی در سطح بین‌المللی تبدیل شده است. امسال نیز قرار است اول مهر ماه، رئیس‌جمهور عازم نیویورک شود. این سفر در شرایطی انجام می‌شود که فضای بین‌المللی متأثر از تحولات منطقه‌ای و پس‌لرزه‌های جنگ اخیر، حساسیتی دوچندان نسبت به این حضور پیدا کرده است. به همین بهانه نیز محمدعلی ابطحی، معاون پارلمانی دولت اصلاحات در یادداشتی در خبرآنلاین از جلسه‌ای در دفتر ریاست‌جمهوری سخن گفته که نشان‌دهنده حساسیت و آمادگی دستگاه سیاست خارجی برای این حضور است.

روایت ابطحی

سیدمحمدعلی ابطحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، روز گذشته در شبکه ایکس از جلسه‌ای نوشت که به دعوت مهدی سنایی، مشاور سیاسی رئیس‌جمهور با جمعی از چهره‌های سیاسی برگزار شده و محور آن بررسی ابعاد و ضرورت سفر پزشک‌های به نیویورک بود. ابطحی در روایت خود نوشت: «نظر من این بود که بعد از جنگ ظالمانه حتما باید برود؛ به دو دلیل: یکی برای اینکه حجم تجاوز آنها و مظلومیت ایران را به دنیا برساند و دیگر اینکه... بگم؟ گفتم رفتش لازم است اما بشرطها و شروطها. نتیجه سفر باید مردم ایران را از تعلیق دریاورد، رفاه به جامعه تزریق کند و سایه جنگ را دور کند». او با اشاره به پرسش‌های محمد قوچانی، دبیر جلسه، بر این نکته تأکید کرد که اگر قرار است این سفر به مذاکره‌ای جدی و سطح بالا بینجامد باید از موضع قدرت باشد و نه ذلت. وی ابراز امیدواری کرد: «امیدوارم سفر انجام شود و وقتی خبر دهند، رئیس‌جمهور در حال بازگشت به ایران است به خاطر خبرهای خوش همه ایران ل‌بخند بزند». ابطحی همچنین یادآور شد که اصل مشورت گرفتن در دولت باید نهاده‌ینه شود چراکه بسیاری از مقامات تصور می‌کنند همه چیز را خودشان بهتر می‌دانند.

از دیپلماسی تا جنجال

سفر به نیویورک برای رؤسای جمهور ایران همیشه با حاشیه و گاه جنجال همراه بوده است. اکبر هاشمی‌رفسنجانی به‌طور مستقیم در این نشست شرکت نکرد اما سفرهای دیپلماتیک دولت او در دهه ۷۰ زمینه‌ساز عادی‌سازی نسبی روابط ایران با برخی کشورها شد. محمد خاتمی در سال ۱۳۷۷ در سفرش به نیویورک با طرح «گفت‌وگوی تمدن‌ها» توانست، توجه افکار عمومی جهان را جلب کند و تصویری متفاوت از ایران ارائه دهد. حضور او در رسانه‌های بین‌المللی، دیدار با نخبگان آمریکایی و گفت‌وگو با ایرانیان خارج از کشور، فضای متفاوتی نسبت به سال‌های پیش رقم زد. محمود احمدی‌نژاد شاید پرحاشیه‌ترین سفرها را به نیویورک داشت. او این فرصت را بیشتر به میدان نمایش شخصی بدل کرد؛ سخنرانی‌های جنجالی او درباره هولوکاست یا نشست پرسش‌وپاسخ در دانشگاه کلمبیا هنوز در حافظه رسانه‌ها باقی است. برای عده‌ای این سخنان باعث تحقیر ایران شد و برای عده‌ای دیگر نشانه جسارت.

پارلمان

حسن روحانی در نخستین سال ریاست‌جمهوری‌اش (۱۳۹۲) با فضای متفاوتی وارد نیویورک شد. تماس تلفنی او با باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، یکی از خبرسازترین لحظات دیپلماسی جمهوری اسلامی در دو دهه اخیر بود. با وجود اینکه این تماس سطحی‌تر از یک دیدار رسمی بود اما بازتاب گسترده‌ای در جهان داشت و در داخل کشور نیز بحث‌های فراوانی به دنبال داشت. در ادامه نیز مذاکرات هسته‌ای و توافق برجام تا حدی به همین بستر ارتباطات بین‌المللی گره خورد. ابراهیم رئیسی در سفر خود به نیویورک تلاش کرد، چهره‌ای منتقد از غرب و همسو با شرق ارائه دهد. حضور او به‌ویژه در سایه مذاکرات هسته‌ای متوقف شده و تنش‌های منطقه‌ای همواره زیر ذره‌بین رسانه‌ها قرار داشت. این سابقه نشان می‌دهد که سفر به نیویورک بیش از آنکه یک مأموریت تشریفاتی باشد، می‌تواند فرصت یا تهدیدی بزرگ برای جایگاه سیاسی ایران در جهان باشد.

از نگاه دولت

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت اخیرا درباره سفر رئیس‌جمهور به نیویورک و شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل گفته بود: «تأکید بر منافع ملی، رساندن صدای ملت ایران به دنیا به خصوص بعد از تجاوز اسرائیل به ایران از جمله موضوعات مد نظر در این سفر خواهد بود که حضور در مجمع سازمان ملل را پررنگ‌تر می‌کند. رئیس‌جمهور ملاقات‌های دوجانبه‌ای خواهند داشت. مسأله فلسطین و غزه هم در دیدار با سران کشورهای اسلامی از موضوعات مورد بحث خواهد بود. این سفر با تیم مورد نیاز انجام می‌شود». از سوی دیگر سیده‌مهدی طباطبایی، معاون ارتباطات دفتر رئیس‌جمهور، سرداد ماه در توضیحاتی درباره این سفر یادآور شده بود که برنامه‌های نیویورک همچنان در حال تدوین است و امکان دیدار با مقامات مختلف وجود دارد. او در عین حال با اشاره به فضای غیرقابل پیش‌بینی دیپلماسی جهانی گفت: «امروز شاید مذاکره با آمریکا دور از ذهن باشد اما ممکن است تا ۴۰ روز دیگر شرایط تغییر کند». طباطبایی تأکید کرد، سال گذشته حجم دیدارها و ملاقات‌های رئیس‌جمهور با سران کشورهایی سابقه بوده است، هرچند برخی تحولات پس از بازگشت به تهران مانع بهره‌برداری کامل از آن دستاوردها شد.

چشم‌انداز سفر پیش‌رو

- امسال سفر رئیس‌جمهور در شرایطی انجام می‌شود که مذاکرات هسته‌ای و تحولات منطقه‌ای، حساسیت‌ها را افزایش داده و روابط ایران با برخی کشورهای همسایه در مسیر تازه‌ای قرار گرفته است. به نظر می‌رسد، دولت تلاش دارد از این فرصت برای چند هدف کلیدی استفاده کند:
- نمایش استقلال و اقتدار جمهوری اسلامی در برابر فشارها.
- بازتعریف روایت ایران از تحولات منطقه‌ای و امنیت خلیج فارس.
- ارسال پیام به افکار عمومی جهانی درباره ضرورت پایان دادن به یکجانبه‌گرایی.
- تقویت ارتباطات چندجانبه با کشورهایی که در سال‌های اخیر روابطشان با ایران بهبود یافته است.

سفر رئیس‌جمهور به نیویورک را باید حلقه‌ای در زنجیره سیاست خارجی ایران دانست که همواره با حاشیه‌های پررنگ همراه بوده است. چه در دوران خاتمی با شعار گفت‌وگوی تمدن‌ها، چه در دوره احمدی‌نژاد با سخنرانی‌های جنجالی، چه در سال‌های روحانی با تماس تلفنی با اوباما و چه در دوره‌های اخیر، این سفر هر بار بازتابی گسترده داشته است.

حاشیه ثابت سفر به نیویورک

اما یکی از حاشیه‌های ثابت سفرهای نیویورک، پرسش رسانه‌ها و تحلیلگران درباره احتمال دیدار میان رئیس‌جمهور ایران و همتای آمریکایی است که احتمالاً با سفر پزشک‌های به نیویورک باز هم مطرح خواهد شد. دلیل این حساسیت این است که روابط تهران-واشنگتن طی بیش از ۴ دهه گذشته قطع بوده و هرگونه تغییر در این وضعیت می‌تواند پیامدهای عمیق سیاسی و اقتصادی داشته باشد. با این حال از نگاه جمهوری اسلامی ایران چنین دیداری همواره با خطر قرمزهای مشخص همراه بوده است. مقامات ایران تأکید کرده‌اند که رابطه با آمریکا تنها در صورتی معنا دارد که بر اساس احترام متقابل و بدون پیش‌شرط‌های تحمیلی باشد. بنابراین هر بار که گمانه‌زنی‌ها بالا می‌گیرد، در نهایت تکذیب یا تأکید بر محدود بودن تماس‌ها به سطحی غیررسمی مطرح می‌شود. حضور در نیویورک فرصتی است که رئیس‌جمهور ایران بدون واسطه در برابر نمایندگان بیش از ۱۹۰ کشور جهان سخن بگوید و مواضع جمهوری اسلامی را تشریح کند. برخلاف بسیاری از نشست‌های بین‌المللی که در منطقه یا در قالب سازمان‌های منطقه‌ای برگزار می‌شود، مجمع عمومی سازمان ملل جایگاهی استثنایی دارد؛ چراکه همه کشورها، فارغ از وزن سیاسی و اقتصادی‌شان، تریبونی برابر برای طرح دیدگاه‌ها در اختیار دارند. برای ایران، که همواره در معرض روایت‌سازی قدرت‌های غربی درباره برنامه هسته‌ای، نقش منطقه‌ای و حقوق بشر قرار دارد، این فرصتی طلایی است تا روایتی مستقل و مستقیم از زبان عالی‌ترین مقام اجرایی خود ارائه کند. علاوه بر این حاشیه‌های سفر مثل مصاحبه‌های رسانه‌ای، دیدار با نخبگان، گفت‌وگو با ایرانیان مقیم آمریکا و ریزنی‌های پشت پرده با رهبران سیاسی کشورها نیز بخش جدایی‌ناپذیر آن است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که همین حاشیه‌ها گاه به اندازه متن سخنرانی‌ها اثرگذاری داشته‌اند.

فرصتی که نباید از دست برود

حضور هم‌زمان مقامات عالی‌رتبه جهان در یک ساختمان، فرصتی کم‌نظیر است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. آنچه اهمیت دارد، چگونگی استفاده از این موقعیت است که فرصتی برای بازتعریف جایگاه ایران در جهان به شمار می‌رود. همان‌طور که ابطحی یادآور شد رفتن به نیویورک «بشرطها و شروطها» است. اگر نتیجه این سفر تنها به عکس‌های یادگاری و بیابیه‌های کلیشه‌ای محدود شود، تردیدی نیست که انتقادات منتقدان پررنگ‌تر خواهد شد. اما اگر از این سفر به عنوان سکویی برای گشودن باب گفت‌وگو و دفاع قدرتمندانه از منافع ایران استفاده شود، می‌تواند به نقطه عطفی در دیپلماسی دولت چهاردهم تبدیل شود.

از سوی دیگر، حمید رسایی، از مخالفان جدی همکاری با آژانس موضع انتقادی‌تری داشت. او اعلام کرد که متن توافق هیچ بن‌دی مبنی بر جلوگیری از اجرای مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک ندارد. رسایی یادآور شد: «نمایندگانی که در نشست غیرعلنی با عراقچی حضور داشتند، تصور می‌کردند چنین شرطی در متن وجود دارد اما چنین نیست». به گفته او، این وضعیت مشابه تجربه برجام است که در آن نیز ادعاها و متن تفاوت داشتند.

با این حال، رسایی به برخی جنبه‌های مثبت توافق نیز اشاره کرد. او گفت در متن به صراحت حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران محکوم شده و چارچوب جدیدی برای بازرسی‌ها تعریف شده است. بر اساس این چارچوب، آژانس تنها می‌تواند بر اساس مصوبه مجلس و با تأیید شورای عالی امنیت ملی اقدام به بازرسی کند. به گفته رسایی در مورد سیاست‌های هدف حمله، ابتدا سازمان انرژی اتمی باید ارزیابی‌های زیست‌محیطی و فنی انجام دهد و پس از تأیید شورای عالی امنیت ملی، گزارش آن به آژانس داده شود. هر مرحله از روند بازرسی نیز نیازمند تأیید مجدد شورا خواهد بود.

در مجموع، واکنش نمایندگان نشان می‌دهد که توافق قاهره توانسته برخی نگرانی‌ها درباره عبور از قانون مجلس را برطرف کند.

توافق قاهره فراتر از انتظار مجلس

نمایندگان: متن با قانون مجلس منطبق است

گروه سیاسی: جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، متن توافق اخیر میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره این متن را مطالعه کرده و درباره ابعاد آن اظهار نظر کردند.

عباس گودرزی، سخنگوی هیأت رئیسه مجلس با اشاره به اینکه او تعدادی از همکارانش متن توافق را بررسی کرده‌اند، گفت: «در ارائه گزارش به آژانس واسطه شعام دیده شده و انطباق با مصوبه مجلس شورای اسلامی نیز لحاظ شده است». به گفته او، این مساله از نقاط قوت توافق است اما اشکالاتی هم وجود دارد. گودرزی توضیح داد که ادعای سیدعباس عراقچی مبنی بر مشروط شدن ابقای توافق به عدم اجرای مکانیسم ماشه صرفاً در سطح سخنان شفاهی باقی مانده و در متن توافق ثبت نشده است. او همچنین هشدار داد: «تمدید اسنپ‌بک مطلقاً به صلاح نیست و این خواهی است که برای ما دیده‌اند تا فرصت‌ها را از ما سلب نکنند».

سخنگوی هیأت رئیسه مجلس در ادامه به بدعهدی‌های آمریکا و اسرائیل اشاره کرد و گفت حتی زمانی که ایران عضو NPT بود، مذاکره می‌کرد و تحت نظارت آژانس قرار داشت، باز هم مورد حمله قرار می‌گرفت. او نتیجه گرفت که «ناباید به این طرف‌ها اعتماد کرد» و تنها راه پیشروی ایران را «تقویت قدرت و ایستادگی مقتدرانه» دانست. در همین حال، مالک شرعیتی، نماینده اصولگرای مجلس، متن توافق را «بهتر از تصورش» توصیف کرد. او پس از مطالعه نسخه اصلی و ترجمه توافقی قاهره، تصریح کرد: «قوت اصلی این توافق تصریح به اقدام منطبق با قانون مجلس و مسیر ششعام برای همکاری است». با این حال، شرعیتی هم ضعف مهمی را گوشزد کرد: «تضمین بیان شده دکتر عراقچی درباره عدم اقدام خصمانه علیه ایران در متن وجود ندارد». او تأکید کرد که به‌زودی درباره جنبه‌های فرامتنی توافق نیز توضیحات بیشتری ارائه خواهد داد.

ادامه تیتریک

فرصت‌سازی در دوحه

رهبران کشورهای عرب و اسلامی برای برگزاری نشست اضطراری در دوحه قطر گرد هم آمدند. این اجلاس در پی حمله هوایی هفته گذشته اسرائیل به رهبران حماس در دوحه برگزار شد. تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر و میزبان نشست، با انتقاد از بنیامین نتانیاهو گفت که اسرائیل قصد دارد، جهان عرب را تحت نفوذ خود قرار دهد و هدف حمله اخیر به بن‌بست کشاندن مذاکرات غزه بوده است. وی تأکید کرد، اسرائیل در حال ایجاد سیستمی اشغالگر و آپارتاید است و جنگی برای نابودی به راه انداخته اما طرح‌هایش به نتیجه نخواهد رسید. حسین ابراهیم طه، دبیرکل سازمان همکاری اسلامی، حمله به قطر را نقض آشکار حاکمیت این کشور دانست و بر اتخاذ موضع واحد و قاطع علیه تجاوز اسرائیل تأکید کرد. احمد ابوالغیط، دبیرکل اتحادیه عرب نیز حمله اسرائیل را فراتر از همه محدودیت‌ها و نقض اصول انسانی دانست و از جامعه بین‌المللی خواست، سکوت در برابر جنایات اسرائیل را متوقف کند.

محمد شیاع السوداني، نخست‌وزیر عراق، حمله به دوحه را تشدید تنش و تهدیدی برای راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز خواند. ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن، آن را نشانه‌ای از تجاوز بی‌حد و مرز اسرائیل دانست و خواستار توقف جنگ علیه غزه و حفاظت از قدس شد. عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، این اقدام را تهدیدی برای امنیت ملی عربی و اسلامی

خاورمیانه

توطئه در تل‌آویو

روبو میان خشم قطر و لبخند اسرائیل به دیدار نتانیاهو رفت

گروه بین‌الملل: سفر مارکو روییو، وزیر خارجه ایالات متحده به بیت‌المقدس در حالی انجام شد که ارتش اسرائیل ده‌ها ساختمان را در شهر غزه ویران کرد و دست‌کم ۱۶ فلسطینی کشته شدند. این حملات شدید همزمان با نشست اضطراری رهبران عرب و اسلامی در دوحه، نشان از پیچیدگی و چند لایه بودن بحران جاری دارد. این گزارش به بررسی ابعاد مختلف این تحولات شامل عملیات نظامی اسرائیل، واکنش‌های بین‌المللی و اهداف پنهان و آشکار سفر وزیر خارجه آمریکا می‌پردازد.

تشدید حملات نظامی در غزه و بحران انسانی

ارتش اسرائیل روز دوشنبه ده‌ها ساختمان مسکونی را در شهر غزه ویران کرد. به گفته ارتش اسرائیل، این ساختمان‌ها توسط حماس به عنوان پست‌های دیدهبانی و برای کارگذاری مواد منفجره استفاده می‌شدند. حملات هوایی و زمینی به محله‌های مختلف غزه باعث فرار هزاران نفر از ساکنان شد. سازمان ملل این وضعیت را «آوارگی اجباری گسترده» نامید و نسبت به شرایط وخیم در مناطق بشردوستانه در جنوب نوار غزه هشدار داد. نیروهای اسرائیلی هفته‌هاست که در حومه‌های شرقی شهر غزه فعالیت می‌کنند و گزارش‌ها حاکی از ویرانی گسترده در سه محله است. این نیروها در حال پیشروی به سمت مرکز شهر همچنین مناطق غربی هستند، جایی که بخش عمده‌ای از آوارگان در آن پناه گرفته‌اند که این امر نگرانی‌ها را درباره یک فاجعه انسانی بزرگتر افزایش می‌دهد.

دیپلماسی موازی: از دوحه تا سازمان ملل

همزمان با حمله اسرائیل به غزه و سفر روییو به بیت‌المقدس، دوحه میزبان یک نشست اضطراری برای رهبران عرب و اسلامی بود. این نشست در واکنش به حمله هفته گذشته اسرائیل به رهبران حماس در قطر برگزار شد. حضور مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان در این نشست نشان از اهمیت این موضوع در سیاست خارجی ایران دارد. این اجلاس دیپلماتیک با هدف هماهنگی مواضع کشورهای اسلامی در برابر اقدامات اسرائیل و فشار برای آتش‌بس و پایان جنگ برگزار شد. از سوی دیگر، شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز قرار است روز سه‌شنبه یک نشست فوری برای بررسی این وضعیت برگزار کند. این نشست‌ها نشان‌دهنده تلاش‌های بین‌المللی برای مدیریت بحران و محکومیت اقدامات نظامی اسرائیل است که در مقابل، با دیپلماسی و اقدامات نمایندگان ایالات متحده در حمایت از اسرائیل قرار می‌گیرد.

ابعاد سفر مارکو روییو به اسرائیل

یکی از اهداف اصلی این سفر، مدیریت پیامدهای حمله هوایی اسرائیل به رهبران حماس در قطر بود. روییو با سفر خود تلاش کرد تا تعادل حساس دولت آمریکا را بین حمایت از اسرائیل و ابراز نارضایتی از



تجاوز رژیم تل‌آویو در امان نیست. فردا می‌تواند نوبت هر یک از پایتخت‌های عربی و اسلامی باشد.

پزشکیان در پایان گفت: رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت، کرامت و آینده ما اعلان جنگ کرده است. ما در پاسخ اعلام می‌کنیم: ما مرعوب نخواهیم شد، متفرق نخواهیم شد، ساکت نخواهیم ماند. از خاکستر غزه، عدالت برخواهد خاست. از آوار ساختمان‌های تخریب شده در دوحه، بیروت، تهران، دمشق و صنعا، نظامی نوپدیدار خواهد شد؛ نظامی نه مبتنی بر ریاکاری بلکه بر وحدت اسلامی، نه بر برتری جویی صهیونیستی بلکه بر برادری و برابری انسانی. مَن سَمِعَ رجلا ینادی یا لِّلْمُسْلِمِینَ قَلَمٌ یُحِیةُ قَلِیْسٍ یُسْلِمُ مَن أَصْبَحَ لَا یَهْتُمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِینَ قَلِیْسٍ یُسْلِمُ

باید مجازات و پاسخگو کردن متجاوزان آغاز شود.

ترجمه

ایران ظرف ۲۰ ساعت ابتکار عمل را از اسرائیل پس گرفت

مردم دخالت خارجی برای تغییر نظام را نمی‌پذیرند

اسناد تازه منتشرشده نشان می‌دهد، جنگ ۱۲ روزه خرداد ماه رژیم صهیونیستی علیه ایران توانست به اهداف از پیش تعیین شده، دست یابد و تهران در کمتر از ۱ روز توانست ابتکار عمل را بازپس گیرد و معادله بازدارندگی تازه‌ای تحمیل کند. به گزارش روزنامه لبنانی الاخبار این جنگ با عنصر غافلگیری آغاز شد و رژیم صهیونیستی در طرح اولیه خود حدود ۲۰ هدف حساس شامل دانشمندان هسته‌ای، فرماندهان نظامی و تأسیسات کلیدی را نشانه گرفته بود.

با این حال، ایران تنها ۸ ساعت پس از ترور چند فرمانده و دانشمند، خلأهای رهبری را پر کرد و حدود ۲۰ ساعت بعد حملات متقابل علیه اهداف مرتبط با اسرائیل را آغاز نمود. این واکنش سریع نشان‌دهنده وجود سناریوهای آماده در ساختار فرماندهی ایران برای مواجهه با تهدیدهای مختلف بود.

طبق برآورد «ادوارد الگرین» معاون دربار و مشاور ارشد وزارت دفاع انگلیس، ایران در ۱۰ روز نخست درگیری تنها ۱۰ درصد از زرادخانه موشکی سنگین خود را به کار گرفت. او تأکید کرده، ایران با داشتن حدود ۲ هزار موشک بالستیک میان‌برد برای جنگی طولانی آماده بود. الگرین سقوط نظام سیاسی ایران را حتی با حمایت آمریکا از اسرائیل غیرمحتمل دانسته و بر حس ملی‌گرایی و پیوند تاریخی ملت ایران تأکید کرده است که دخالت خارجی برای تغییر نظام را نمی‌پذیرند.

این اسناد همچنین نشان می‌دهد برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس نسبت به پیامدهای تلاش برای تغییر نظام در ایران ابراز نگرانی کرده و هشدار داده‌اند که چنین اقدامی، ثبات منطقه را تهدید می‌کند. آنها بر ضرورت پرداختن به ریشه‌های بحران از جمله پایان جنگ غزه و اشغالگری اسرائیل تأکید داشته‌اند. دیپلمات‌های عرب در سازمان ملل نیز از کم‌تحرکی این نهاد در قبال تشدید تنش‌ها گلایه کرده‌اند زیرا شورای امنیت تنها یک نشست برای بررسی اوضاع برگزار کرده است.

در همین راستا، نماینده عربستان در سازمان ملل هشدار داده، ورود مستقیم آمریکا به جنگ در کنار اسرائیل می‌تواند، ایران را به هدف‌گیری منافع آمریکا در منطقه واداشته و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را ناخواسته وارد درگیری کند.

منبع: الاخبار

می‌کنیم، ما مرعوب نخواهیم شد، متفرق نخواهیم شد و ساکت نخواهیم ماند. از خاکستر غزه، عدالت برخواهد خاست. از آوار ساختمان‌های تخریب شده در دوحه، بیروت، تهران، دمشق و صنعا، نظامی نوپدیدار خواهد شد؛ نظامی نه مبتنی بر ریاکاری بلکه بر وحدت اسلامی، نه بر برتری جویی صهیونیستی بلکه بر برابری انسانی.

وی تصریح کرد: باید مسیر خطرناکی که با آن روبه‌رو هستیم را بشناسیم. رژیم صهیونیستی اکنون در سال ۲۰۲۵ چند کشور مسلمان را بمباران کرده است. هر حمله و تجاوز این رژیم به عنوان دفاع مشروع توجیه می‌شود و هر بار دوپهلویی کشورهای غربی و حداکثر محکومیت‌های توخالی را به دنبال دارد. حمله به دوحه بسیاری از معادلات و تفکرات اشتباه را دگرگون کرد و نشان داد که هیچ کشور عربی یا مسلمانی از



تأکید کرد که موشک‌های ایران، تهدیدی برای حضور آمریکا در منطقه و امنیت اسرائیل هستند و این تهدید به فراتر از آن یعنی کشورهای خلیج فارس و اروپا گسترش یافته است. وی ادعا کرد که موشک‌های ایرانی، قادر به حمل کلاهک هسته‌ای هستند و به همین دلیل یک ایران هسته‌ای، خطری غیرقابل قبول برای اسرائیل، آمریکا و جهان است. روییو در ادامه این اظهارات، کارزار «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه ایران را توجیه کرد و گفت که به همین دلیل آمریکا، متحدان اروپایی خود را به فعال‌سازی مکانیسم اسنپیک و بازگشت تحریم‌های ایران تشویق می‌کند. او مدعی شد که ایرانی‌ها آشکارا به تعهداتشان ذیل توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ عمل نمی‌کنند و واشنگتن صددردزد بازگرداندن تحریم‌ها حمایت می‌کند. این مواضع نشان‌دهنده، ادامه سیاست‌های خصمانه دولت ترامپ علیه ایران و تلاش برای منزوی کردن بیشتر تهران در عرصه بین‌المللی است. سفر مارکو روییو به اسرائیل در حالی انجام شد که منطقه با بحران‌های نظامی و دیپلماتیک چندگانه‌ای روبه‌رو بود. این سفر با هدف تقویت روابط با اسرائیل، مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و ارسال پیامی قاطع درباره حمایت آمریکا از مواضع اسرائیل صورت گرفت. در مقابل، این اقدامات با واکنش‌های بین‌المللی و نگرانی‌های فراینده درباره وضعیت انسانی در غزه و تلاش‌های دیپلماتیک موازی در دوحه و سازمان ملل روبه‌رو شد. اظهارات روییو درباره ایران نیز نشان داد که سیاست فشار حداکثری و خصومت با تهران همچنان یکی از محورهای اصلی سیاست خارجی آمریکا در منطقه است. این تحولات در مجموع، نشان‌دهنده وضعیت پیچیده و پرتلاطم خاورمیانه است که در آن اقدامات نظامی، دیپلماسی و سیاست‌های داخلی بازیگران کلیدی به شدت به هم گره خورده‌اند.

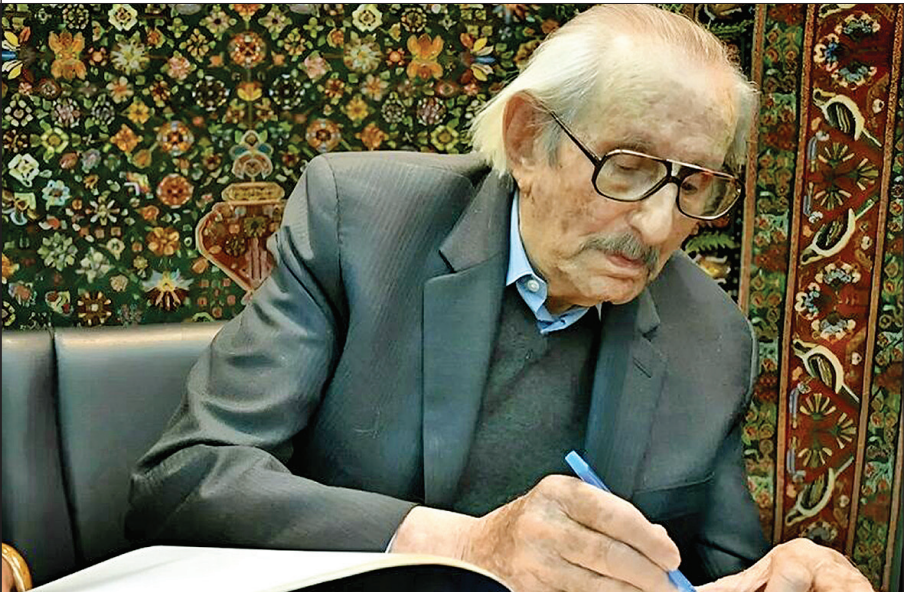
موضع‌گیری خصمانه علیه ایران

در طول این سفر، روییو همچنین به موضوع ایران پرداخت و ادعاهای خصمانه واهی علیه ایران را تکرار کرد. او با اشاره به همراهی ایالات متحده با اسرائیل در تجاوز به ایران و حمله به تأسیسات هسته‌ای کشور،

یاد: ادبیات ایران

از فرش تا کتاب

سیروس پرهام نویسنده، ویراستار و هنرشناس درگذشت

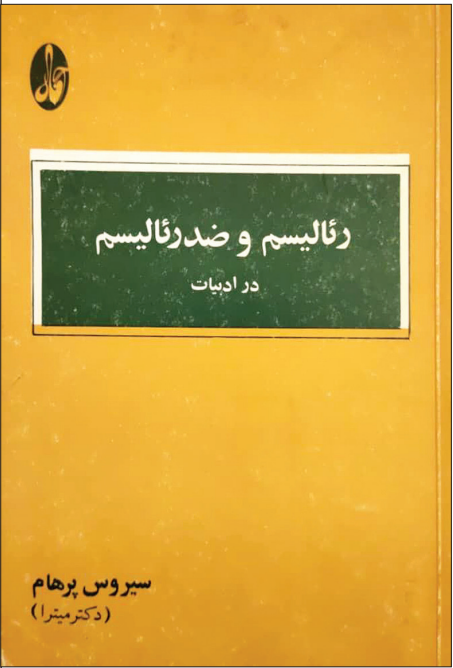


سیروس پرهام، نویسنده، مترجم، ویراستار، فرش‌شناس و هنرشناس برجسته، دیروز در ۹۷ سالگی بر اثر کهولت سن درگذشت. هرمز همایون‌پور، مترجم و همسر خواهر سیروس پرهام به ایسنا گفت: «او عصر دوشنبه ۲۴ شهریوراز دنیا رفته است.» و به گفتهٔ همسر سیروس پرهام، بر اساس وصیت آن مرحوم پیکرش در صحن امام‌زاده طاهر کرج آرام خواهد گرفت. او از بنیان‌گذاران سازمان اسناد ملی بود و آثاری ماندگار در زمینهٔ نقد ادبی و فرش‌شناسی از خود به یادگار گذاشت. پرهام یکی از پایه‌گذاران ویراستاری در ایران و اولین ویراستار انتشارات فرانکلین به ریاست همایون صنعتی‌زاده بود. پرهام به عنوان پیشکسوت ویراستاری ایران در ۹ آبان ۱۳۹۵ به همراه مهدی قنوتی و مهناز مقدسی، انجمن صنفی ویراستاران را تأسیس کردند. او که از کارشناسان طراز اول فرش در ایران به شمار می‌رفت در سال ۱۳۵۶ عضو هیأت مدیره موزهٔ فرش ایران شد. کتاب «تاریخ فرش و فرش‌بافی در ایران» آخرین اثر سیروس پرهام در ارتباط با فرش است. کتاب‌های او از جمله «دستباف‌های عشایری و روستایی فارس» در زمرهٔ کتب درسی و مرجع رشته فرش هستند.

سیروس پرهام متولد ۳ بهمن ۱۳۰۷ در شیراز بود و لیسانس خود را در ۱۳۳۰ از دانشگاه تهران و دکترا را در ۱۳۳۳ از دانشگاه برکلیدر رشتهٔ علوم سیاسی گرفت. او در زمرهٔ کسانی است که برای نخستین بار در ایران به شیوهٔ نقد ادبی غربی به این کار پرداختند. در هنرشناسی نیز دستی داشت و مجموعهٔ ۱۵ جلدی «سیری در هنر ایران» نوشتهٔ آرتور اِبهام پوپ و همسرش فیلیس اکرم‌ن به سرویراستاری او و در مؤسسه علمی و فرهنگی ترجمه و منتشر شد.

از دیگر آثار مهم سیروس پرهام می‌توان به «رنالیسم و ضدرنالیسم در ادبیات» و «کتاب‌هایی که دنیا را تغییر دادند» (ویراستار) نام برد. «رنالیسم و ضد رنالیسم» سیروس پرهام به همراه «مکاتب ادبی» رضا سیدحسینی از نخستین آثار در نوع خود و مدت‌ها مرجع نویسندگان

ایرانی بودند. به گفتهٔ محمد شمس لنگرودی، پرهام فعال‌ترین منتقد ادبی دههٔ ۱۳۳۰، منتقدی مارکسیست، «فعال‌ترین منتقد ادبی جامعه‌گرای» این دهه است هرچند که لنگرودی معتقد است، نقد پرهام «دیواری ستبر» بین هنر رئالیستی و هر آنچه غیررئالیستی است می‌کشید. پرهام هم‌چنین از نسل دوم بنیان‌گذاران انتشارات نیل بود و در زمینهٔ فعالیت مطبوعاتی هم می‌توان به سوابق او در مجلهٔ «خوشه» که به شاعران نوپرداز اختصاص داشت، «جنگ صدف» (از نشریات متعلق به حزب توده) و نشریهٔ «انجمن کتاب» اشاره کرد. پرهام سلسله مقالاتی را نیز با نام مستعار سایروس برام و به صورت پاورقی دربارهٔ انقلاب ایران در روزنامهٔ اطلاعات می‌نوشت که بعدها مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر آن را تحت عنوان «انقلاب ایران و مبانی رهبری امام خمینی» به صورت کتاب منتشر کرد.



شناسه آگهی ۲۰۰۲۲۸
نوبت اول



شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

می نمایم حداکثر تا ۱۰ روز پس از انتشار نوبت دوم این آگهی، اعلام آمادگی کتبی خود را ، و رقم های تکمیل شده پرسشنامه ارزیابی (کیفی تأمین کنندگان کالا) و تصویر مدارک و مستندات مندرج در فرم ارزیابی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ارسال نمایند.

ضمناً دراسناد مناقصه توزیعی ، تاریخ تحویل پاکات وگشایش پیشنهادات قید گردیده است . مناقصه‌گران باید در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت ثبت نام و گواهی امضای الکترونیکی را دریافت نمایند.

تلفن ۰۴۱-۳۴۴۴۸۰۹۵ و ۳۴۴۹۶۲۷۴

دورنگار ۰۴۱-۳۴۴۴۷۰۸۹

«آگهی فراخوان مناقصه»

شماره: ۷۲-۱۴۰۴

شرکت گاز استان آذربایجان شرقی درنظر دارد پروژه خرید سروور Rack 480 DPE 25x2.5 Customer Supplied Rack (همراه با دستگاههای ذخیره سازی داده های سرور) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir برگزار و به فروشنده ذیصلاح واگذار نماید.

بدین منظوراز کلیه شرکت‌های سازنده/تأمین کننده معتبر دارای حداقل رتبه ۲ صلاحیت خدمات انفورماتیک از سازمان برنامه و بودجه کشور ، و گواهی افتا و تأیید صلاحیت از سازمان حراست وزارت نفت ، و توانایی تأمین اقلام فوق و تهیه تضمین شرکت درفرایندارجاع کار طبق آیین نامه تضمین معاملات دولتی به مبلغ ۵۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰(پنج میلیارد و دویست میلیون ریال) دعوت

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۶/۲۶

روابط عمومی شرکت گاز استان آذربایجان شرقی

ناترازی روزگار

نگاهی جامعه‌شناختی به دغدغه ابراهیم افشار به بهانه کتاب **از نفس افتاده**

محمدمهدی سرفراز شکوهی

مدیرکل سابق ورزش و جوانان استان فارس

ابراهیم افشار، استاد مسلم جستارنویسی ورزشی در کتاب «از نفس افتاده» منتشرشده توسط نشر وزن دنیا به سراغ بازخوانی و بازنویسی شرح حال ۳۹ قهرمان ورزشی نامدار می‌رود که هر کدام به دلیلی ناکام از روزگار به ورطهٔ سختی و سقوط و سکوت کشانده شده‌اند و نامالایمت روزگار آن‌ها را در خرد کرده است. عمده این جستارها را نویسنده قبلاً در جاهای مختلف و در قالب‌های متنوع اعم از مصاحبه و سرگذشت‌نامه منتشر کرده بود. نقطهٔ تمایز و قوت این کتاب آن است که مولف با نگاهی پسینی ادامهٔ سرگذشت آنها و بازخورد بلندمدت سرنوشتی که مواجه شده‌اند را پی گرفته و به سرانجام رسانده است. کتاب شامل یک مقدمه است که با عنوان «روایت صادقانه» توسط حسین راغفر، اقتصاددان و رئیس پیشین فدراسیون فوتبال نوشته شده و در آن راغفر «نقطهٔ تمایز کتاب را انداختن چراغ به تاریک‌خانه جامعه ورزش ایران» می‌داند و آن را روایتی می‌داند که «در کنار پرداختن به اشک و لبخندهای قهرمانان، بخشی از فولکلور و فرهنگ غنی، متنوع و گستردهٔ مردمان جامعه ما نیز هست.» او به حق ابراهیم افشار را نویسنده‌ای می‌داند که قلم خویش ره به مزد نقر وخته است و پدیده‌ای است که مجدداً باید کشف و کاوش شود. خود ابراهیم افشار نیز ضمن یادداشتی کوتاه در ابتدای کتاب با عنوان «چرا عاشق انسان تراژیک بودم» به استقبال بحث محوری کتاب یعنی سرگذشت ستاره‌های سوخته یا نیم‌سوخته ورزش ایران می‌رود. این که چرا در میان ستاره‌های گذشته عالم ورزش حسین تنه‌گزار کرمانشاهی، ضیاءالدین میرقوامی یا احمد طاهری را برمی‌گزیند و در میان معاصرین شیفتهٔ سیروس قایقران و مجتبی محرمی است. افشار می‌گوید همین رویکرد را نسبت به ستاره‌های سرکش یا سر فرافتاده ورزش و فلسفه غرب هم دارد و مثلاً اگر دل‌دادهٔ آلبر کاموست نه لزوماً به خاطر کششگری ادبی و فلسفی او بلکه به خاطر دروازه‌بانی و جهان‌بینی فوتبالی اوست، همان‌گزر خسته‌جانی که بعدها به یکی از مطر‌ترین روشن‌فکران فرانسه و اروپا تبدیل شد و پلی بین اتلکتونل و فوتبال زد و به قول افشار تا آخر عمرش، آموزه‌های فوتبالی را بر

یادداشت: تشارتر

مفیستوی معاصر

درباره نمایش **مبانی تاریکی** به کارگردانی میلاد شجره

نیلوفر تانی

منتقد

نمایش «مبانی تاریکی» که از اوایل شهریورماه در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه آمده، متنی از مهم میقانی و کارگردانی میلاد شجره دارد. این دو هنرمند که تا کنون کارهای اجرایی مشترکی با همکاری هم انجام داده‌اند این بار با نمایشی دراماتیک که به فرمی تجربی و رئال نزدیک است به زیست و موقعیتی واقعی در قالب اجرا پرداخته‌اند.

مهام میقانی از نویسندگان و درام‌نویسان معاصر است که توانسته با خلق فضاهای خلاقانه با میانجی تاریخ و رخدادهای مستند، بستری برای نگارش بسازد که گوشه‌های تاریکی از آنچه در دل تاریخ مانده و کمتر به آن پرداخته شده است به محضر دید و شناخت مخاطبان و ناظران برسد. رمان‌ها و داستان‌های او با فضایی ایرانی و شهری به ماجراهایی از کشف جرم و یا روابط انسانی در پیوند با زمان وقوع می‌پردازد و درام‌ها که چندی پیش و در ۱۴۰۳ یکی از آنها به نام «ادبیات» توسط محمود امین نیز بر صحنه اجرا شد، همگی در تلاشی برای بازیابی امری نو است. چه در خلال اتفاقات تاریخی و اجتماعی و چه بهره از فرمی تجربی، او حافظه جمعی را به روشنایی و آگاهی آنچه گذشته و یا هنوز در جریان است، فرا می‌خواند. مهم میقانی در نمایشنامهٔ اخیر خود «مبانی تاریکی» نیز دست به این تجربه زده است که نه تنها به زوایایی از گوشه‌های تاریک درون جامعه نوری بتاباند بلکه به طور منحصر ببینده و تماشاگر را دعوت کند که به درون خود نیز نگاهی کند. او با طرح مسأله‌ای اخلاقی- فلسفی طی جریان نمایش، مخاطب را در مسیرهایی از دوره‌های تصمیم، همدات‌پنداری، هسویی با امر غیراخلاقی و غیرانسانی، ابتذال شر، فشارهای اقتصادی و معضلات اجتماعی و همدستی با نظام حاکمی قرار می‌دهد که شهروندان‌ش را به خود شبیه می‌کند. قصه «مبانی تاریکی» درباره نویسنده‌ای است که در برخورد با یک اتفاق و آشنایی با همسایه خود، تصمیم می‌گیرد با دوستانش نمایشی را روی صحنه ببرد که از خلال آن به نقشه‌ای که به سرعت سکه‌های طلای

گوشهٔ قلبش حک کرد. افشار البته نقطهٔ مقابل این رویکرد را هم دارد؛ آنجایی که در ادامه همین یادداشت می‌نویسد: «این فهرست ۳۹ نفره از ضدقهرمانان یا قهرمانان تراژیک را لطفاً برای تمام ساحت فوتبال ایرانی مطلق‌انگاری نکنید چراکه همین فوتبال‌فارسی با تمام مجنونان و عارفان و معلمانش در طول عمر ۱۳۰ سالهٔ خود ابرانسان‌هایی نیز تحویل جامعه داده است. امجدیهٔ قدیم را به یاد آورید که سکوی آرامش‌بخش بسیاری از اهالی طبقهٔ اتلکتونل و هنرمند بود که در زمرهٔ عشاق خونین جگر فوتبال چشم به چمن‌ها دوخته بودند. از سامونل خاچیکیان تا کیانوش عیاری و ناصر تقوایی در سینما، از مللک الشعرا موسیقی، از نادر افشار نادری در حوزهٔ مردم‌شناسی آکادمیک تا استاد محیط طباطبایی در حوزه‌های فرهنگی؛ آن‌ها چنان در لسلٔ آفیونی فوتبال غرقه می‌شدند که گاه خود را در میان شور و کف و هورای توده‌های بی‌شکل، سکوت‌نشین امجدیه گم می‌کردند و آن نمی‌گفتند. اینان مردانی بودند که فوتبال را از زاویهٔ دیگری می‌دیدند. اگر کیانوش عیاری همچون کامو دروازه‌بان بود، اگر ناصر تقوایی از لشکریان پاپتی زمین‌های خاکی آبادان محسوب می‌شد، اگر سهراب سپهری عاشق تیم عقاب و کاپیتانش، مصطفی عرب بود، اگر هوشنگ ابتهاج سایه‌نشین سمج سکوهای امجدیه بود، استاد محیط طباطبایی نیز در جوانی در زمرهٔ ورزشکاران وطن بود و مقالهٔ دل‌انگیز و تخصصی‌اش در هنگامهٔ



از نفس افتاده

روایت‌هایی تراژیک از زندگی سرشناس‌ترین چهره‌های ورزش ایران ابراهیم افشار نشر وزن دنیا ۴۰۶ صفحه ۶۵۰ هزار تومان

همسایه‌اش ختم می‌شود، برسد. بازیگران با اسامی واقعی خود نقش‌هایی را ایفا می‌کنند که به جهان واقعی آنان در شمایل کلی نزدیک است. «سعید چنگیزیان» نقش نویسنده، کارگردان و بازیگر را برعهده دارد و «میلاد شجره و فریال سنگری»، بازیگران نمایش و «دلسا کریم‌زاده»، همسایه‌ای که ثروتی به ارث رسیده دارد و قرار است، تهیه‌کننده نمایش نیز باشد. این ترکیب در متن سپس در اجرا، مرزهای قراردادی و بازی‌نمایی‌های واضح یک نمایش را در هم می‌ریزد و به همان سبک شبه‌مستندی نزدیک می‌شود که مهم میقانی در آن خبره و تخصص دارد.



سینمای جهان

برای آزادی فلسطین

چهره متفاوت خاویر باردم در فرش قرمز جوایز امی



جوایز امی بهترین بازیگر مکمل مرد در مینی‌سریال را به دست آورد. او در سخنرانی‌اش گفت: «این تجربه واقعاً باورنکردنی است». اربن دوهرتی نیز جایزه بهترین بازیگر مکمل زن در مینی‌سریال را از آن خود کرد. استیون گراهام هم برای این مینی‌سریال دو جایزه نویسندگی و بهترین بازیگر نقش اصلی در یک مینی‌سریال را کسب کرد. او جایزه بازیگری را با غلبه بر کالین فارل و جیک جینهلل به خود اختصاص داد. کمدی «استودیو» محصول اپل تی‌وی‌پلاس که درباره یک استودیوی خیالی هالیوود است هم توانست رکورد تاریخی جوایز تلویزیونی امی را بشکند و به پرجایزه‌ترین کمدی تاریخ در یک سال تبدیل شود. با احتساب جوایزی که در مراسم جوایز هنرهای خلاق امی هفته گذشته گرفته بود، این سریال مجموعاً با ۱۳ جایزه، رکورد بیشترین جوایز یک فصل اول را هم شکست. در شب اصلی، این سریال بهترین کمدی سال شد و ست روگن ۳ جایزه بهترین بازیگر، بهترین نویسنده و بهترین کارگردان کمدی را گرفت.

درام پزشکی «پیت» (گودال) نیز ۳ جایزه دریافت کرد؛ از جمله بهترین سریال درام و ۲ جایزه بازیگری. نوا وایلی پس از سال‌ها نامزدی برای سریال «فوریت‌های پزشکی» بالاخره اولین جایزه امی خود را به‌عنوان بهترین بازیگر نقش اصلی درام دریافت کرد و گفت: «این واقعاً یک رؤیای بود». او جایزه خود را به کارکنان بیمارستان‌ها تقدیم کرد. هم‌بازی او، کاترین لاناسا با شکست دادن ستاره‌های سریال «نیلوفر سفید» به‌طور غافلگیرکننده‌ای جایزه بهترین بازیگر مکمل زن درام را به دست آورد. جین اسمارت برای چهارمین بار جایزه بهترین بازیگر زن کمدی را برای نقش‌آفرینی در سریال «هکس» دریافت کرد. هم‌بازی او، هانا اینبیندر هم برای نخستین بار جایزه بهترین بازیگر مکمل زن در کمدی را دریافت کرد. او روی فرش قرمز اعلام کرد که فصل پنجم سریال «هکس» که اکنون در حال تولید است، فصل پایانی خواهد بود.

اینبیندر در پایان سخنرانی‌اش خواستار آزادی فلسطین شد و افزود: «به‌عنوان یک یهودی وظیفه دارم که یهودیان را از دولت اسرائیل متمایز کنم. مگ استالتر هم بازیگر «هکس» کیفی با شعار «آتش‌بس!» حمل می‌کرد. باردم، اینبیندر و استالتر از جمله ۳۹۰۰ هنرمند هالیوودی بودند که این هفته تعهد داده‌اند با مؤسسات سینمایی اسرائیل، که به گفته آنان در «نسل‌کشی» دست دارند، همکاری نکنند.

خاویر باردم، بازیگر مشهور اسپانیایی روی فرش قرمز جوایز امی با چفیه فلسطینی حاضر شد و با سر دادن شعار «فلسطین را آزاد کنید» گفت، نمی‌توانم با کسی که نسل‌کشی را توجیه یا از آن حمایت می‌کند، کار کنم. این بازیگر گفت: من امروز اینجا هستم و نسل‌کشی در غزه را محکوم می‌کنم. من در مورد انجمن بین‌المللی محققان نسل‌کشی، صحبت می‌کنم که نسل‌کشی را به طور کامل مطالعه می‌کنند و رفتار رژیم صهیونیستی در غزه را نسل‌کشی اعلام کرده‌اند. به همین دلیل است که ما خواستار محاصره تجاری و دیپلماتیک همچنین تحریم رژیم صهیونیستی برای توقف نسل‌کشی هستیم. فلسطین را آزاد کنید.

هفته پیش ۳۹۰۰ چهره سرشناس صنعت سینما تعهدنامه‌ای را امضا کردند که توسط «فعالان فیلم برای فلسطین» شکل گرفته بود و اعلام کردند که امضاکنندگان با مؤسسه‌ها و شرکت‌های فیلمسازی صهیونیستی که در نسل‌کشی و آپارتاید علیه مردم فلسطین دست دارند، همکاری نخواهند کرد. در این تعهدنامه تأکید شده که نمونه‌هایی از همدستی شامل «سفیدنمایی یا توجیه نسل‌کشی و آپارتاید و یا همکاری با دولتی که مرتکب آنها شده است» می‌شود. پارامونت روز جمعه با صدور بیانیه‌ای به این نامه پاسخ داد و تحریم علیه صنعت فیلم و تلویزیون رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و با اشاره به ترویج درک متقابل و حفظ لحظه‌ها آشکار کرد: ما با تلاش‌های اخیر برای تحریم فیلمسازان صهیونیستی موافق نیستیم. صنعت سرگرمی جهانی باید هنرمندان را تشویق کند تا داستان‌های خود را بگویند و ایده‌های خود را با مخاطبان در سراسر جهان به اشتراک بگذارند.

باردم در پاسخ به این نامه گفت: «می‌خواهم بر اساس بیانیه پارامونت چیزی را روشن کنم. فعالان فیلم برای فلسطین، هیچ فردی را بر اساس هویت هدف قرار نمی‌دهند. اهداف، آن دسته از شرکت‌ها و مؤسسه‌های فیلمسازی هستند که در نسل‌کشی و رژیم آپارتاید همدست هستند و آن را توجیه یا تطهیر می‌کنند. ما در کنار کسانی هستیم که به مردم مظلوم کمک و از آنها حمایت می‌کنند.» وی افزود: من نمی‌توانم با کسی که نسل‌کشی را توجیه یا حمایت می‌کند، کار کنم. به همین سادگی. ما نباید بتوانیم این کار را انجام دهیم، چه در این صنعت و چه در هیچ صنعت دیگری. باردم این نامه را در کنار فیلمسازان هالیوودی مانند یورگوس لانتیموس، آوا دورونی، آصف کاپادیا، اما سلیگمن، بوتس رایلی، آدام مک‌کی، اولیویا کولمن، آیو ادیری، مارک رافالو، ریز احمد، تیلدا سویتون، لیلی گلدستون، هانا اینبیندر، گانل گارسیا برنال، ملیسا باررا و اما استون و دیگران امضا کرد.

باردم به عنوان نامزد جایزه امی ۲۰۲۵ برای بازی در نقش خوزه منندز در سریال جنایی تفلیکس «هیولاها: داستان لایل و اریک منندز» در این مراسم حضور پیدا کرد. این برنده جایزه اسکار نامزد جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در یک سریال یا فیلم کوتاه یا آنتولوژی شده بود اما موفق به کسب آن نشد. در مراسم جوایز امی امسال، درام جدید تفلیکس با نام «نوجوانی» با ۶ جایزه خوش درخشید. این سریال که دومین اثر پر مخاطب تاریخ تفلیکس شده است، جوایز بهترین مینی‌سریال، بهترین کارگردانی و بهترین نویسنده‌ی را از آن خود کرد همچنین ۳ جایزه بازیگری گرفت.

اوون کوپر در ۱۵ سالگی عنوان جوان‌ترین برنده تاریخ



شد)، آقا سیروس قایقان (بزرگ خسته دل‌شکسته‌ای که جوان‌مرگ شد)، ناصر محمدخانی (یهودایی که سرگردان شد)، عادل کلاکچ (فتری که با فشار از جا در رفت) و مهدی هاشمی‌نسب (اسطوره‌ای که منفور و مغضوب شد). این‌ها نمونه‌های فوتبالی ماجراس. از کشتی هم نمونه زیاد آورده است. شرح مفصلي هم از ماجرای محمد آقاجری، مربی نابینا اما استثنایی و نابغه صنعت نفت آبادان نوشته که چگونه به‌طرز حیرت‌آوری بدون دیدن ماجرا و تنها با شنیدن تیم را کوچ و کمر رقیبان را می‌شکست. و این که این اسطوره چگونه بعد از برآمدن نسل و روزگار نو، دل‌شکسته و خسته زمین قدیمی تختی آبادان را برای همیشه ترک کرد و پشت سرش را هم هرگز نگاه نکرد.

۴ ایران علل اجتماعی عیدهای نه‌جارها را تشکیل می‌دهند که عرفاً هر سده یک بار عمده آن‌ها دچار تغییر یا فراموشی یا رکود و یا رویش غربی می‌شوند و ارزش و ضدارزش‌های متوالی و منفک بسیاری به همراه می‌آورند: مجاهد خضیراوی با آن الماس خداداد که در قلم و عقل او بود در نظر بگیرید، اگر تنها ربع قرن قبل‌تر به دنیا آمده بود با وجود ارتکاب به آن اشتباه، فوتبالش تمام نمی‌شد هرچند دچار حاشیه می‌شد، اگر ربع قرن بعدتر نیز به دنیا می‌آمد نه فوتبالش تمام می‌شد و نه دچار حاشیه می‌شد. یا شعبان جعفری را کلی از افرادی که دایره‌زمانه به همراه باید و نبایدهای فردی و خانوادگی، سرنوشت و سرگذشت آن‌ها را مشخص ساخت، بی‌آنکه خصلت یا استعداد یا نیت آن‌ها نقش چندانی در صعود یا سقوطشان بازی کند. هنر اصلی ابراهیم افشار در این کتاب این است که در اوج اضطراب و استیصال فرد نیز، او را قضاوت نمی‌کند بلکه حکایت می‌کند و قضاوت را به دادگاه تاریخ و وجدان جمعی مخاطب می‌سپارد. ما امروز در ورزش نیز مانند سایر قسمت‌ها زمین‌خوردۀ قضاوت‌ها و قدرشناسی‌ها و باید و نبایدهای ایدئولوژیک و بی‌مبنا هستیم به تنفسی پاک از وجدان و اخلاق و مروت نیازمندیم و به دیوارهایی از سلامت و شفافیت و انسانیت سخت محتاج.

و مسئولیت‌پذیری اجتماعی که اغلب از خاستگاه قشر روشنفکر و پیشرو جامعه جرقه می‌خورد، درست همان نقطه‌ای است که هدف نظام‌های قدرتمدار بر آن استوار است. تهی‌شدگی از منش و کرامت انسانی و افتادن به ورطه سقوط و اخگی. «مبانی تاریکی» با وجوه اجتماعی و تاریخی، هوشمندانه در یک قصه روان و ملموسی که برای مخاطب تئاتر آشنا و در ذهن او حاضر و حاکم است، برای پیشبرد اهداف خود بهره می‌برد، او کاراکترها را با نام واقعی بازیگران، از نقش‌های تقلیدی دور کرده و به جهانی از زیست روزمره و جاری می‌آورد تا این فاصله نیز در ذهن تماشاگر محو شود. سپس با طرح پلاتی از آنچه که اکثریت افراد جامعه، هر روز با آن مواجه و درگیرند و مکرر روبه‌رو می‌شوند، ابتذالِ شُر را به شکل و شیوه‌ای که مدام در حال تولید و بازتولید است و به امری عادی بدل شده به معرض می‌گذارد. متن و اجرا هر دو طی این فرآیند، باتلافی را شبیه‌سازی می‌کنند که بدون آنکه مخاطب مقاومتی احساس کند به درون آن کشیده می‌شود. چه بسا در مواجهه با این ابتذالِ شُر، خود نیز همراه شده و مهر تأیید می‌زند. این همان انباشتنی سلسب حقوق به حق انسانی و شهروندی است که در مصاف با مصایق آن، بروز می‌کند.

دامنه ابتذالِ شُر و رواج بی‌اخلاقی، تجاوز به حریم خصوصی و شخصی افراد، عدم مسئولیت اجتماعی، سلب آزادی و حقوق انسانی، بیش از آنچه تصور می‌شود در جامعه‌ای که بیمار است، رواج داشته و نفوذ کرده است. «مبانی تاریکی» با فرم اجرایی که میلاد شجره به عنوان کارگردان انتخاب کرده و با بازی‌های باورپذیر و واقعی به ویژه سعید چنگیزیان در بهره از طراحی صحنه‌ای که خود سالن اجرای تئاتر است و در اینجا سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر در نظر گرفته شده که نمایش در همان جایز در حال اجراست و با طراحی لباس به ویژه پالتویی بلند و مصداقی از صاحب قدرت بر تن چنگیزیان و بهره از مولتی مدیا، هر چه بیشتر پیوند متن را با مفاهیم مورد طرحش در اجرا درآمیخته و پیاده‌سازی می‌کند.

«مبانی تاریکی» اجرایی گفت‌وگو‌محور است که در خلال این گفت‌وگوها به مسائل بسیاری از زیست روزمره یک فرد در جامعه کنونی ایران اشاره می‌شود. از روابط عاطفی، مشکلات اقتصادی، تفریحات، وضعیت روانی غالب افراد در میانسالی، میزان یأس و امید جاری، عدالت و تبعیض‌ها و بیش از همه بازنمایی روند استحاله کرامت و شأن فردی در مقام هنرمند، نویسنده و فرهیخته به طور کاملاً روشنی، جانمایی و تصویری از وضعیت جامعه معاصر ایران را ارائه می‌دهد. مهم میثاقی باز همان نگاه واکاوانه و جست‌وجوگرانه خود را در دل داستانی به ظاهر «ساده و معمولی» از نقشه یک جرم و خشونت با تاریخ معاصر و در ۱۴۰۴ پیوند می‌زند و نشان می‌دهد برای بقا در سیستمی نامتعادل و ناعادلانه، جلوه‌ی بارز خشونت، بازتاب‌گرینش شُر اخلاقی از سوی مردم است.

المپیک مونیخ ۱۹۷۲ برای تحلیل کارکرد کاروان ورزشی ایران که در روزنامه اطلاعات ۳۰ شهریور ۱۳۵۱ چاپ شد، نگاه بکری به فوتبال و تمامیت ورزش انداخته بود و مانیفست ورزشی‌اش این بود: به جای افرادی قهرمان که سینه آن‌ها شایسته مدال افتخار باشد، ملتی قهرمان تربیت کنیم، دقت کنید، به جای قهرمان ملی، ملت قهرمان پرورش دهیم.»

۲ فشار در ادامه با آوردن نمونه‌های دیگری از جلوه‌های تاریخ اجتماعی ورزش ایران و در هم تیدگی ورزش با همه شئونات زندگی انسان ایرانی از این نکته غفلت نمی‌ورزد که زنان نیز با به پای مردان پای ورزش ایران ایستاده‌اند و آن‌ها هم گاهی به همان منجلاب مشکلات مردان بی‌واسطه و باواسطه دچار و در افتخارات و برکات آنان نیز سهیم و سرفراز شده‌اند. ابراهیم افشار در پایان این یادداشت نسبتاً بلند می‌افزاید: «شاید توصیف زندگی‌نامه این ۳۹ ضدقهرمان یا قهرمان تراژیک به منزله مشتتی از خروار، نشان‌گر سقوط‌ها و شکست‌های ورزش ایران باشد، روایتی که هم‌زمان با توصیف چگونگی از بافتادگی ایشان به‌طور ضمنی تاریخ اجتماعی معاصر را نیز ورق می‌زند.»

۳ فشار ماجرا را با مجبیتی محرمی شروع می‌کند: دفاع چپ استثنایی و تکرار نشدنی فوتبال ایران که از محله گمرک تهران فوتبال را شروع کرد و در دریایی از مشکلات و بدشانشی‌ها و بدبگیری‌ها فرورفت اما خدشه‌ای به محبوبیت و غیرتش وارد نشد. مجبیتی که عاشق مادرش بود و پای رفتن او سوخت و پیر شد و به قول نویسنده، صحنه‌های محبت مجبیتی به مادر مثل قورتاندن برتقال‌های آبدار شهسوار به حلقوم پیرزن بیچاره که او را تا سرحد خفگی می‌برد، ضرب‌المثل و مایه خنده حصار می‌شد، با مجبیتی که چک پنجاه تومنی سلطان را گم کرد و هیچ‌گاه جرأت نکرد آن را واخواهی کند، چرا؟! چون کسی را برای آن نبست که سلطان را مواخذه و واخواهی کند. افشار به سراغ سایر فوتبالی‌ها هم رفته؛ از جمله مجاهد خضیراوی (جوهری که منهدم

این بار مساله تاریخی در اکتیونیتی است که ریشه‌هایش را می‌توان در بسیاری از افراد جامعه دید و چه بسا به آینده نیز تسری پیدا می‌کند. «مبانی تاریکی» از جهتی به قشر الیت، روشنفکر و ادبی جامعه اشاره می‌کند که در مناسبات بیمار اقتصاد و اداره کشور، روح خود را معامله می‌کند و از هنر به عنوان ابزاری در جهت منافع شخصی با روش‌های غیرانسانی و غیراخلاقی بهره می‌برد. او مفیستویی است که تحت فشارهای سیستمی و سلطه قدرت در ارتعاب و سرکوب روح رهایی‌بخش او و تشدید معضلات اقتصادی و اجتماعی با نظامی که متولی چنین شرایط بحرانی است، همدست شده و دستش را در جیب دیگری می‌کند تا به اصطلاح سهم خودش را بردارد. درست همان کاری که طی سال‌ها با مردم جامعه شده است و این امر اقتدر روح جمعی را آزرده که برای جبران آن، مشروعیت انجام هر عملی مجوزی نانوشته دارد. او خود نمونه کوچکی از همان سیستم قدرت که سال‌ها در درونش شکل گرفته و رشد یافته را نشان می‌دهد و این همان روند توزیع خشونت است که از نوک هرم به افشار و توده‌های مردم منتشر شده و ریشه‌ها و مبانی تاریکی را تولید می‌کند.

اضمحلال، رخوت و کم‌رنگ شدن کنش‌مندی و بروز کنش‌های انقلابی



شناسه آگهی : ۲۰۰۰۹۲۰

نوبت اول

فراخوان ارزیابی کیفی برای مناقصه عمومی (تجدید)



شرکت ملی نفت ایران

شرکت نفت خزر

(سهامی خاص)

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۷/۰۲

- مهلت ارسال پاسخ فراخوان: ۱۴۰۴/۷/۱۶

آدرس و تلفن تماس مناقصه‌گزار:

تهران- خیابان شهید سید حسن نصرالله- خیابان پنجم-

پلاک ۲۰- امور حقوقی و پیمان‌ها

تلفن: ۰۲۱-۸۸۷۲۲۴۳۰

روابط عمومی شرکت نفت خزر

بازار سهام

رشد ملایم

در بازار سهام چه گذشت؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

معاملات بورس تهران در روز دوشنبه با رشد شاخص هم‌وزن و عملکرد خنثی در شاخص کل بورس تهران پیگیری شد. همچنین ۴۴۱ میلیارد تومان پول حقیقی از صحنه معاملات سهام خارج شد و بازیگران خرد بر خلاف روز گذشته بسیار محتاطانه معاملات را دنبال کردند. شاخص کل که تا سطح ۲ میلیون و ۶۹۶ هزار واحد پیشروی کرده بود از سقف روزانه عقب‌نشینی کرد و در سطح ۲ میلیون و ۶۷۶ هزار واحد ایستاد. در معاملات دوشنبه بورس تهران، شاخص کل بدون تغییر نسبت به روز معاملاتی قبل کار خود را به پایان رساند و شاخص هم‌وزن نیز با رشد ۰/۰۶ درصدی همراه شد. این عملکرد خنثی شاخص کل در حالی رخ داد که بازار سهام تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند اخبار سیاسی داخلی و بین‌المللی، نوسانات نرخ ارز و ورود محدود نقدینگی قرار داشت. ارزش معاملات خرد بازار سهام تا مرز ۱۰ همت پیش رفت و رقم ۹ هزار و ۸۸۷ میلیارد تومان را ثبت کرد. این رقم ثبت شده، بیشترین میزان ارزش معاملات خرد بازار سهام در ۴۸ روز معاملاتی اخیر است و حاکی از افزایش حجم مبادلات در مقایسه با دوره‌های قبلی است. تحلیلگران بازار، این رشد ارزش معاملات را به عوامل موقتی مانند اخبار مثبت از مذاکرات سیاسی و کاهش فشارهای تورمی نسبت می‌دهند، هرچند خروج پول حقیقی نشان‌دهنده عدم اطمینان بلندمدت است. در واقع خروج ۴۴۱ میلیارد تومانی پول حقیقی، که عمدتاً از سمت سهامداران خرد صورت گرفت، می‌تواند به دلیل نگرانی از نوسانات آتی بازار و تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر شرکت‌های بورسی باشد. بر اساس داده‌های سایت دیتابورس، ارزش صف‌های فروش در بازار به ۱۶ هزار و ۹۱۱ میلیارد تومان رسید، در حالی که صف‌های خرید تنها ۴ هزار و ۳۷۷ میلیارد تومان بود که این عدم تعادل بر محتاط بودن بازیگران تأکید دارد. دلار آزاد معاملات دیروز را در سطح ۹۹ هزار و ۵۰۰ تومان آغاز کرد. در ادامه، شاخص ارزی برای لحظاتی کانال ۹۹ هزار تومان را از دست داد و مجدداً به این کانال بازگشت. این نوسانات ارزی تحت تأثیر اخبار سیاسی مانند پیشرفت در مذاکرات هسته‌ای و مدیریت بازار ارز توسط بانک مرکزی بود. نرخ دلار توافقی در مرکز مبادله ارز و طلا به حدود ۷۲ هزار و ۳۲ تومان رسید. اما در بازار آزاد، دلار با رشد ۰/۶۸ درصدی نسبت به روز قبل به ۹۹ هزار و ۴۵۰ تومان دست یافت. این افزایش جزئی همراه با یورو که به ۱۱۵ هزار و ۵۱۰ تومان رسید بر بازارهای موازی مانند بورس تأثیر گذاشت و باعث شد، برخی سرمایه‌گذاران به سمت دارایی‌های امن‌تر مانند طلا سوق یابند. در بازار فیزیکی طلا و سکه نیز قیمت هر گرم طلای ۱۸ عیار با رشد همراه شد و به ۸ میلیون و ۶۷۵ هزار تومان رسید. این نرخ برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی اتحادیه طلا و جواهر تهران، نشان‌دهنده افزایش ۰/۵ درصدی نسبت به روز قبل است و عمدتاً به دلیل تقویت اونس جهانی طلا به بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ دلار و نوسانات ارزی داخلی رخ داد. سکه نیز در کانال ۹۲ میلیون تومان مورد معامله قرار گرفت و سکه امامی با رشد ۱/۲ درصدی به ۹۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان رسید، در حالی که سکه بهار آزادی به ۹۱ میلیون تومان دست یافت. صندوق‌های طلا نیز برای سومین روز متوالی با ورود پول حقیقی، معاملات خود را پیگیری می‌کنند و ارزش معاملات آنها به بیش از ۵۰۰ میلیارد تومان رسید که این امر می‌تواند، نشانه‌ای از تمایل سرمایه‌گذاران به حفظ ارزش دارایی در برابر تورم باشد. تحلیل بازار طلا و سکه نشان می‌دهد که با وجود روند نزولی اخیر دلار، رشد اونس جهانی و تقاضای داخلی برای جواهرات، قیمت‌ها را در مسیر صعودی نگه داشته است. کارشناسان سایت تالا پیش‌بینی می‌کنند که اگر نرخ دلار بالای ۹۹ هزار تومان تثبیت شود، طلا و سکه می‌توانند کانال‌های بالاتری را فتح کنند. در مجموع، بازارهای مالی ایران روز دوشنبه شاهد تعادلی شکننده بودند؛ بورس با شاخص کل خنثی اما هم‌وزن مثبت، نشان‌دهنده تمرکز بر سهام کوچک‌تر است در حالی که بازار ارز و طلا با نوسانات جزئی، تحت تأثیر عوامل خارجی مانند قیمت جهانی نفت و طلا قرار گرفت. خروج پول حقیقی از بورس می‌تواند به صندوق‌های طلا و درآمد ثابت هدایت شود که این امر در گزارش‌های اخیر نیز مشهود است. با توجه به پیش‌بینی‌ها از سایت نبض بورس، بازار فردا ممکن است با روند متعادل رو به پایین مواجه شود، مگر اینکه اخبار مثبت سیاسی مانند کاهش تحریم‌ها، نقدینگی را بازگرداند. ارزش کل معاملات بورس به ۵۸۸ میلیارد تومان رسید که میانگین ماهانه آن ۱/۵ هزار میلیارد تومان است و این رشد ۴۸ روزه ارزش معاملات خرد، می‌تواند سیگنالی برای بهبود تدریجی بازار باشد. در بخش فرابورس، رشد ۲/۸ درصدی شاخص کل به ۳۳ هزار و ۵۰۰ واحد عمدتاً به دلیل معاملات مثبت در نمادهای پتروشیمی و معدنی بود. تحلیل تکنیکال از سالیات اقتصادنیوز نشان می‌دهد که شاخص هم‌وزن پس از عبور از خط روند نزولی در موقعیتی جذاب برای رشد قرار گرفته و حمایت فیبوناچی ۰/۶۱۸، می‌تواند کف قیمتی آن باشد. در مقابل، شاخص کل با مقاومت در ۲/۷ میلیون واحد روبه‌رو است و شکست آن نیازمند ورود نقدینگی بیشتر است.

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

در جست‌وجوی فرصت از دست رفته

موج مهاجرت چه زمانی فروکش می‌کند؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

مهاجرت ایرانیان در سال‌های گذشته به دلایل متعددی افزایش یافته و به یکی از پدیده‌های برجسته اجتماعی در ایران تبدیل شده است. مشکلات اقتصادی از جمله تورم بالا، بیکاری، کاهش ارزش پول ملی و افزایش هزینه‌های زندگی شرایط را برای بسیاری از ایرانیان دشوار کرده است. این عوامل باعث شده‌اند که افراد، به‌ویژه جوانان، به دنبال فرصت‌های بهتر در خارج از کشور باشند. محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی مانند محدودیت‌های آزادی بیان، سبک زندگی و فرصت‌های برابر نیز نقش مهمی در این تصمیم‌گیری ایفا کرده‌اند. جوانان که بخش عمده‌ای از جمعیت مهاجر را تشکیل می‌دهند به دلیل نبود فضای مناسب برای رشد فردی و حرفه‌ای به کشورهای دیگر روی می‌آورند.

دسترسی به آموزش با کیفیت بالاتر، فرصت‌های شغلی بهتر و زیرساخت‌های پیشرفته در کشورهای توسعه‌یافته نیز از جمله جذابیت‌های مهاجرت است. علاوه بر این، ناامیدی از آینده اقتصادی و سیاسی ایران، همراه با تمایل به بهبود کیفیت زندگی، امنیت و رفاه، انگیزه‌ای قوی برای ترک وطن ایجاد کرده است. این عوامل در کنار هم، تصمیم به مهاجرت را به گزینه‌ای جدی برای بسیاری از ایرانیان تبدیل کرده‌اند. با این حال، پدیده مهاجرت تنها به زمان حال یا ایران محدود نمی‌شود. مهاجرت به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بنیادی جوامع بشری، ریشه در طبع کنجکاو و ناراضی انسان دارد که همواره در جست‌وجوی شرایط بهتر بوده است. در طول تاریخ، مهاجرت‌های فردی و گروهی به دلایل مختلف از جمله ضرورت‌های اقلیمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رخ داده‌اند. حتی در مواردی که مهاجرت اجباری بوده، امید به بهبود شرایط زندگی محرک اصلی بوده است. تاریخ ایران نیز شاهد مهاجرت‌های متعددی بوده که چه از منظر ورود مهاجران به این سرزمین و چه از منظر خروج ایرانیان، تغییراتی در ساختار اجتماعی ایجاد کرده است. مهاجرت‌های دسته‌جمعی در گذشته مانند مهاجرت اقوام آریایی یا کوچ‌های قبیله‌ای و مهاجرت‌های فردی در دوران مدرن، نشان‌دهنده پویایی این پدیده در تاریخ ایران است. با این حال یکی از مهم‌ترین و چالش‌برانگیزترین اشکال مهاجرت در سده اخیر، مهاجرت نخبگان یا به اصطلاح «فرار مغزها» بوده است. این نوع مهاجرت که نه‌تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود به خروج نیروهای متخصص و تحصیل‌کرده به کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه آمریکا و اروپا، منجر شده است. فرار مغزها به معنای از دست رفتن سرمایه‌های انسانی است که با هنر‌های هنگفتی از طریق آموزش، تجربه و تخصص

اقتصاد جهان

واقعیت‌های جدید

آیا چین کشوری قدرتمند شده است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

شاید فکر کنید واشنگتن با مقر سازمان ملل در نیویورک جایی است که رهبران کشورها در آنجا برای گفت‌وگو درباره وضعیت جهان جمع می‌شوند. اما در حقیقت، میزبانی رئیس‌جمهور شی جین پینگ از بیش از ۲۰ رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر در چین در دو هفته پیش نشان داد که واقعیت جدیدی در حال شکل‌گیری است. آقای شی از اجلاس سازمان همکاری شانگهای (SCO) در تیانجین برای تبلیغ کشورش به‌عنوان منبع ثبات و شکوفایی بهره برد. او از یک رژه نظامی که به مناسبت هشتادمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم برگزار می‌شد، استفاده کرد تا به همه یادآوری کند که چین به یک کشور قدرتمند تبدیل شده است. او می‌گوید که آمریکا منبع مشکلات امروز جهان است.

به دست آمده‌اند. این سرمایه‌ها شامل دانشمندان، مهندسان، پزشکان و سایر متخصصانی هستند که توانایی‌هایشان می‌تواند به توسعه علمی، اقتصادی و اجتماعی کشور کمک کند. با این حال به دلیل شرایط نامناسب، این افراد ترجیح می‌دهند به کشورهای مهاجرت کنند که فرصت‌های بهتری برای بهر‌دوری از مهارت‌هایشان فراهم می‌کند. پیامدهای مهاجرت نخبگان برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران بسیار گسترده است. هدر رفتن هزینه‌های صرف شده برای آموزش این افراد، کاهش ظرفیت علمی و پژوهشی، تضعیف توان جامعه برای حل مشکلات از طریق دانش و نوآوری و کاهش سرمایه اجتماعی از جمله این پیامدها هستند. سرمایه اجتماعی، که شامل اعتماد عمومی و حس تعلی به جامعه است، با خروج نخبگان تضعیف می‌شود زیرا این افراد اغلب نقش کلیدی در پیشبرد توسعه و نوآوری دارند.

علاوه بر این، مهاجرت موفقیت‌آمیز نخبگان می‌تواند، انگیزه‌ای برای دیگران ایجاد کند و چرخه‌ای از خروج نیروهای متخصص را تقویت کند. این پدیده نه تنها به کاهش منابع انسانی منجر می‌شود بلکه بر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور تأثیر منفی می‌گذارد. در حالی که کشورهای توسعه‌یافته نیز با مهاجرت نخبگان مواجه هستند، تأثیر این پدیده بر آنها معمولاً مثبت است زیرا آنها از ورود متخصصان بهره‌مند می‌شوند و کمبود نیروی کار ماهر خود را جبران می‌کنند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه با از دست دادن این نیروها با چالش‌های عمیقی مواجه می‌شوند. برای مثال، در ایران، خروج پزشکان، مهندسان و متخصصان فناوری اطلاعات به کشورهای دیگر نه‌تنها منابع انسانی را کاهش داده بلکه هزینه‌های هنگفتی را که برای آموزش این افراد صرف شده، بی‌ثمر کرده است. مهاجرت نخبگان همچنین به کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پژوهش منجر می‌شود زیرا دولت و جامعه احساس می‌کنند که این سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل خروج نیروها به هدر می‌رود. یکی از جنبه‌های کمتر بررسی شده مهاجرت نخبگان در ایران نقش عوامل اقتصادی و سیاسی در تشدید این پدیده است. اقتصاد سیاسی ایران با ویژگی‌هایی مانند تحریم‌های بین‌المللی، سوء‌مدیریت اقتصادی، فساد و نبود شفافیت، شرایطی را ایجاد کرده که متخصصان را به ترک کشور ترغیب می‌کند. تحریم‌ها به‌عنوان نمونه، باعث کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیت دسترسی به فناوری‌های نوین و کاهش فرصت‌های شغلی در بخش‌های پیشرفته شده‌اند. این عوامل همراه با تورم و بی‌ثباتی اقتصادی، انگیزه‌ای قوی برای مهاجرت ایجاد کرده‌اند. علاوه بر این نبود فضای سیاسی باز و محدودیت‌های اجتماعی مانند سانسور و فشار بر فعالان مدنی، باعث شده که بسیاری از نخبگان احساس کنند در کشور خود نمی‌توانند به صورت کامل از توانایی‌هایشان استفاده کنند. این شرایط به ویژه برای زنان و اقلیت‌ها که با محدودیت‌های بیشتری

مواجه هستند، تشدید می‌شود. از سوی دیگر کشورهای مقصد مهاجرت، با ارائه شرایط کاری بهتر، حقوق بالاتر، امکانات آموزشی پیشرفته و محیطی باز برای رشد حرفه‌ای به عنوان مقاصد جذابی برای نخبگان ایرانی شناخته می‌شوند. برای مثال، کشورهای غربی با فراهم کردن بورسیه‌های تحصیلی، ویزاهای کاری و فرصت‌های تحقیقاتی به جذب این نیروها کمک کرده‌اند. این کشورها همچنین از نظر فرهنگی و اجتماعی محیطی فراهم می‌کنند که در آن نخبگان احساس می‌کنند، می‌توانند آزادانه ایده‌های خود را بیان کنند و به پیشرفت حرفه‌ای دست یابند. با این حال، مهاجرت نخبگان تنها به عوامل اقتصادی و سیاسی محدود نمی‌شود. عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز نقش مهمی ایفا می‌کنند. برای مثال تمایل به تجربه فرهنگ‌های جدید، یادگیری زبان‌های خارجی و زندگی در جوامعی با تنوع فرهنگی برای بسیاری از جوانان ایرانی جذاب است. این عوامل به‌ویژه در میان نسل‌های جوان‌تر که از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی با جهان خارج ارتباط بیشتری دارند، تأثیرگذار بوده است. شبکه‌های اجتماعی همچنین با نمایش موفقیت‌های مهاجران ایرانی در خارج از کشور، انگیزه مهاجرت را تقویت کرده‌اند. با وجود این مهاجرت نخبگان چالش‌هایی نیز برای خود مهاجران به همراه دارد. انطباق با فرهنگ جدید، دوری از خانواده و دوستان و مواجهه با تبعیض در برخی موارد از جمله مشکلاتی هستند که مهاجران با آن روبه‌رو می‌شوند. با این حال بسیاری از نخبگان ایرانی به دلیل امید به آینده‌ای بهتر، حاضر به تحمل این چالش‌ها هستند. در ایران، تلاش‌هایی برای کاهش مهاجرت نخبگان صورت گرفته اما این تلاش‌ها تاکنون کافی نبوده‌اند. سیاست‌هایی مانند ارائه مشوق‌های مالی، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب و بهبود شرایط آموزش و پژوهش می‌توانند به کاهش این پدیده کمک کنند. با این حال بدون اصلاحات ساختاری در اقتصاد و سیاست این اقدامات ممکن است تأثیر محدودی داشته باشند. برای مثال، ایجاد پارک‌های فناوری و حمایت از استارت‌آپ‌ها می‌تواند، انگیزه‌ای برای ماندن نخبگان ایجاد کند اما این اقدامات باید با ثبات اقتصادی و سیاسی همراه شوند تا مؤثر باشند. در نهایت، مهاجرت ایرانیان، به‌ویژه نخبگان، پدیده‌ای پیچیده است که ریشه در عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. این پدیده نه تنها بر توسعه کشور تأثیر منفی می‌گذارد بلکه باعث از دست رفتن سرمایه‌های انسانی ارزشمندی می‌شود که می‌توانند در پیشرفت ایران، نقش کلیدی داشته باشند. برای مقابله با این چالش، نیاز به سیاست‌گذاری‌های جامع و بلندمدت است که هم عوامل داخلی مانند بهبود شرایط اقتصادی و سیاسی را در نظر بگیرد و هم با ایجاد جذابیت‌های رقابتی، نخبگان را به ماندن در کشور تشویق کند. بدون چنین اقداماتی، روند مهاجرت نخبگان و فرار مغزها احتمالاً ادامه خواهد یافت و پیامدهای منفی آن بر جامعه ایران تشدید خواهد شد.

سرمایه‌داری دولتی چین در مقام مقایسه ناچیز به نظر می‌رسند. هم جدید اتحاد جدیدی پدید آمده است که با تحریم‌ها همچنین تهدیدهای فراسرزمینی که آمریکا از آن برای جدا کردن افراد، شرکت‌ها و کشورها از سیستم مالی مبتنی بر دلار و سکوهای فناوری استفاده می‌کند، مخالف است. کشورهای بیشتر و بیشتری علاقه‌مندند که جایگزین‌هایی برای دلار پیدا کنند. و تعداد کمتری از آنها مایل‌اند به نیابت از آمریکا، تحریم‌های آن کشور را به اجرا گذارند. هم‌مانان چین هنوز اختلاف‌نظر‌های فراوانی دارند. هند پس از درگیری‌ها در مرز هیمالیا با افزایش حضور نظامی چین مخالف است. همسایگان چین هنگام تماشای رژه موشک‌های جدید این کشور در میدان تیان آن‌من احساسات متفاوتی داشتند. اما همکاری مستبدان با یکدیگر عمیق‌تر می‌شود. ضعیف‌ترین بخش کارزار آقای شی به نهادها و قواعد بین‌المللی مربوط می‌شود. او به تازگی اعلام کرد که حکمرانی جهانی به تقاطع جدیدی رسیده است. رسانه‌های دولتی پیشنهاد می‌کنند که چین با کشورهای هم‌فکر کار کند و نظام حکمرانی عادلانه‌تر و منصفانه‌تری بسازد. این صحبت‌ها در پوشش چندجانبه‌گرایی بیان می‌شوند اما کلماتی رمزی برای یک نظام جهانی مطلوب چین هستند که در آن قدرت‌های بزرگ بر حوزه‌های نفوذ تسلط دارند و از حقوق و امتیازات بیشتری نسبت به کشورهای کوچک برخوردارند. با وجود این هیچ کشوری نمی‌خواهد که چین آسیا را اداره کند.



سال هشتم شماره ۲۰۶۲
سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۴

بررسی رویدادهای اجتماعی

کوچه

سال‌های دور از ازدواج

چالش‌های اقتصادی باعث کاهش تقاضا برای برگزاری مراسم عروسی شده است



مردان دارای تحصیلات یا مشاغل سطح پایین ندارند. ظهور پدیده‌هایی مانند «ازدواج سفید» یا هم‌باشی بدون عقد رسمی نیز نشانه‌ای از تغییر در نگاه نسل جدید به مفهوم خانواده و تعهد است. ترس از طلاق نیز انگیزه ازدواج را کاهش می‌دهد. وقتی رسانه‌ها می‌نویسند نسبت طلاق به ازدواج در پایتخت بیش از نصف است بسیاری از جوانان به این می‌اندیشند که شاید مشارکت بدون سند رسمی، خسارت کمتری داشته باشد. همچنین هزینه‌های بالای مهریه و جهیزیه و فشارهای سنتی بر خانواده‌ها باعث شده که طرفین محتاط‌تر عمل کنند. سیاست‌های دولتی برای افزایش جمعیت مانند پرداخت وام ازدواج و مشوق‌های فرزندآوری نتوانسته این روند نزولی را تغییر دهد؛ گزارش‌ها حاکی از آن است که این طرح‌ها نه‌تنها ازدواج‌ها را زیاد نکرده بلکه دسترسی دشوار به تسهیلات مالی و پیچیدگی مقررات بسیاری از جوانان را از این مسیر ناامید کرده است.

خطرات جمعیتی

افزایش نسبت طلاق و کاهش ازدواج تنها به درآمد تالارها آسیب نمی‌زند؛ این روند پیامدهای عمیق‌تری برای ساختار اجتماعی و اقتصادی دارد. با کاهش تعداد ازدواج‌ها، تشکیل خانواده‌های جدید کمتر می‌شود و این موضوع خود بر نرخ باروری تأثیر می‌گذارد. وقتی تعداد موالید در سال ۱۴۰۲ به ۹۸۰ هزار نفر کاهش یافته و نرخ باروری از مرز جانشینی پایین‌تر است، خطر پیر شدن جمعیت جدی است. کاهش نیروی کار آینده، افزایش بار بر صندوق‌های بازنشستگی و نیاز به واردات نیروی کار، بخشی از پیامدهایی است که کارشناسان هشدار می‌دهند. همچنین کاهش ازدواج و افزایش طلاق هزینه‌های اجتماعی و روانی سنگینی دارد؛ کودکان بیشتر با والدین تنها بزرگ می‌شوند و نهاد خانواده که یکی از پایه‌های نظم اجتماعی است، تضعیف می‌شود.

ارتباطات

تلفن‌های زامبی

فیلترینگ، اینترنت ایران را آلوده‌ترین شبکه جهان کرده است

احسان چیت‌ساز، معاون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه فاوا و وزارت ارتباطات به تازگی نسبت به پیامدهای سیاست فیلترینگ هشدار داد. او تأکید کرد که استمرار فیلترینگ موجب شده است «یکی از آلوده‌ترین شبکه‌های جهان» را داشته باشیم و این آلودگی شبکه را به «شبکه‌ای ناامن» تبدیل کرده است. به گفته او، یکی از عوارض ناخواسته، رواج نصب ابزارهای دور زدن فیلتر است؛ این ابزارها، تلفن‌های همراه را به «زامبی» تبدیل کرده‌اند و عملاً کنترل دستگاه را از کاربر گرفته‌اند. این تشبیه به‌خوبی نشان می‌دهد که وقتی سیستم عامل گوشی به واسطه یک اپلیکیشن نامطمئن آلوده شود به سروهای ناشناس متصل می‌گردد و ممکن است به جای مالک، فرمان‌های مخرب هکرها را اجرا کند.

تجربه جهانی نشان می‌دهد، بسیاری از فیلترشکن‌های رایگان نه‌تنها امنیت نمی‌دهند بلکه خود به کانون بدافزار و سرقت داده، تبدیل شده‌اند. بررسی‌های امنیتی هشدار می‌دهد که اینگونه خدمات «مین‌روپ» هستند: برخی برنامه‌های رایگان به‌طور مخفیانه بدافزار نصب می‌کنند یا داده کاربر را به شرکت‌های ثالث می‌فروشند. در این مطالعه چندین اپلیکیشن رایگان مانند OKVPN و Betternet در آزمایش‌های مختلف آلودگی نشان داده‌اند. حتی سرویس رایگانی به نام Hola به دلیل استفاده از پهنای باند کاربران برای تشکیل یک بات‌نت و حمله به سایت‌ها خراب‌ساز شد. چنین بات‌نت‌هایی می‌توانند، ترافیک عظیمی را به یک هدف هدایت کنند و به حملات اختلال سرویس (DDoS) دامن بزنند. توصیه صریح این نهادها اجتناب از دانلود VPN‌های ناشناخته و به‌روزرسانی مداوم نرم‌افزار است. نکته مهم در صحبت‌های چیت‌ساز این است که ریشه این آلودگی‌ها در سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای قرار دارد که مردم را به سوی استفاده از فیلترشکن سوق می‌دهد. او تصریح کرد که باید «به جای دنبال کردن سیاست‌های فیلترینگ سخت‌گیرانه» به «تسهیل دسترسی مردم» و تقویت پلتفرم‌های بومی روی بیاوریم. چنین رویکردی علاوه بر کاستن از نیاز به فیلترشکن، انگیزه‌ای برای ارتقای کیفیت خدمات داخلی فراهم می‌کند. در سطح کلان نیز برداشتن فیلترهای غیرضروری می‌تواند، زمینه‌ساز کاهش آلودگی و افزایش امنیت ارتباطات شود.

۴۰۰ نفره حدود ۴۰۰ میلیون تومان هزینه دارد و یک مراسم ۶۰ نفره ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان، زوج‌های جوان ترجیح می‌دهند یا مراسم را کوچک کنند یا اساساً جشن نگیرند. انتشار آگهی‌های فریبنده تالار اقساطی در شبکه‌های اجتماعی نیز بخشی از این بازار سیاه است؛ طرح‌هایی که به گفته عبداللهی اغلب کلاهبرداری‌اند و اتحادیه برای مقابله با آنها حتی به بانک مرکزی نامه نوشته است. همه اینها یک زنجیره دومینویی ایجاد کرده است: کاهش ازدواج و افزایش طلاق، تقاضا برای مراسم عروسی را کم می‌کند؛ کمبود تقاضا، تالارها و کسب‌وکارهای مرتبط را به ورشکستگی می‌کشاند؛ رکود این صنعت، بیکاری و کاهش درآمد هزاران نفر را به همراه دارد؛ و نبود شفافیت و نظارت هم باعث رشد بازار غیرمجاز می‌شود. در این میان حتی حوادث سیاسی و امنیتی نیز بر این زنجیره اثر می‌گذراند. عبداللهی می‌گوید: جنگ ۱۲ روزه اخیر باعث لغو بسیاری از مراسم‌ها شد و تالارها متحمل ضررهای سنگین شدند به گونه‌ای که اتحادیه مجبور شد به زوج‌ها کمک کند، مراسم‌هایشان را به زمان دیگری موکول کنند.

نه به ازدواج

آمارهای بالا نشان می‌دهد با وجود تبلیغات رسمی برای تشویق ازدواج و افزایش جمعیت، جامعه ایران به سمت سبک زندگی جدیدی حرکت کرده است. شرایط اقتصادی دشوار- از جمله بیکاری، تورم و هزینه‌های سنگین مسکن- نخستین مانع است. اما تحلیل جامعه‌شناسان نشان می‌دهد، تغییر نگرش‌ها نیز نقش قابل توجهی دارد. بسیاری از جوانان تحصیل کرده، ازدواج را اولویت اول زندگی خود نمی‌دانند و به دنبال استقلال، پیشرفت حرفه‌ای و فردگرایی هستند. گزارش‌های دانشگاهی نشان می‌دهد ۵ درصد از زنان بالایی ۴۰ سال هرگز ازدواج نکرده‌اند و زنان تحصیل کرده، تمایلی به ازدواج با

و عدم توسعه زیرساخت‌هاست. اگرچه مرکز آمار تنها عدد بیکاری را اعلام می‌کند اما برای اصلاح این وضعیت باید ساختارهای اقتصادی استان بازسازی شود؛ ایجاد صنایع پایین‌دستی نفت، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، مدیریت پایدار آب و اولویت دادن به جذب نیروی کار بومی می‌تواند، اشتغال پایدار ایجاد کند.

خراسان جنوبی چگونه بیکاری را کاهش داد؟

در نقطه مقابل، خراسان جنوبی با ۴/۱ درصد کمترین نرخ بیکاری کشور را در بهار ۱۴۰۴ به نام خود ثبت کرد. این استان در بهار ۱۴۰۳ نرخ بیکاری ۶ درصد داشت و ظرف یک سال ۱/۹ واحد درصد از بیکاری کاسته شد. آمار تغییر مثبتی را نشان می‌دهد اما بررسی دقیق‌تر، حاکی از نکات مهمی است:

طبق اعلام رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان، سهم بخش خدمات از اشتغال خراسان جنوبی ۴۸ درصد، صنعت ۳۴ درصد و کشاورزی ۱۸ درصد است. سهم خدمات و کشاورزی نسبت به سال قبل افزایش یافته و سهم صنعت کاهش یافته لذا سیاست‌گذاران تأکید دارند حمایت از صنعت برای ایجاد تعادل لازم است.

البته باید توجه داشت که نرخ مشارکت اقتصادی استان از ۴۰/۲ درصد به ۳۸/۴ درصد کاهش یافته و نرخ اشتغال از ۳۷/۸ به ۳۶/۸ درصد رسیده است. این کاهش به این معناست که بخشی از مردم یا مهاجرت کرده‌اند یا باافتن کار دست کشیده‌اند. همچنین نرخ بیکاری جوانان (۱۵ تا ۲۴ سال) ۱۷ درصد و نرخ بیکاری گروه ۱۸ تا ۳۵ سال ۱۱/۴ درصد است؛ بیکاری زنان و شهرنشینان نیز بالاتر از متوسط است. بنابراین موفقیت خراسان جنوبی نسبی است و نیازمند سیاست‌های ویژه برای جوانان و زنان خواهد بود.

گزارش بهار ۱۴۰۴ نشان می‌دهد، ایران توانسته نرخ بیکاری رسمی خود را به ۷/۳ درصد برساند؛ با این حال اختلاف زیاد میان استان‌ها هشداردهنده است. خوزستان، استانی که بیشترین منابع نفتی و کشاورزی کشور را در اختیار دارد به دلیل سوءمدیریت منابع آب، تعطیلی کارخانه‌ها، تبعیض و حاشیه‌نشینی با بحران بیکاری ۱۳/۲ درصدی مواجه است. در مقابل، خراسان جنوبی- با ۴/۱ درصد کمترین بیکاری را دارد اما این موفقیت ناشی از کاهش مشارکت اقتصادی و پروژه‌های موقت است و خطر بازگشت بیکاری بالا در صورت عدم استمرار سیاست‌ها وجود دارد. برای رسیدن به اشتغال پایدار و عادلانه، لازم است دولت و بخش خصوصی علاوه بر ایجاد شغل‌های جدید به کیفیت مشاغل، آموزش نیروی کار، مدیریت منابع طبیعی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای توجه کنند. تنها در این صورت است که کاهش نرخ بیکاری در آمار رسمی به بهبود واقعی در معیشت مردم تبدیل می‌شود.

یکدیگر قرار می‌گیرند، تصویری نگران‌کننده از آینده جمعیتی کشور ترسیم می‌کنند: کاهش ازدواج، افزایش طلاق و افت باروری که در بلندمدت به سالمندی زودهنگام و کاهش نیروی کار خواهد انجامید.

چرخه‌ای در حال شکست

کاهش مراسم عروسی ضربه‌ای مستقیم به صنعت گسترده‌ای وارد کرده که تنها به تالارها خلاصه نمی‌شود. انجمن تالارهای پذیرایی تهران حدود هزار واحد صنفی در زیرمجموعه خود دارد، از تالارهای پذیرایی و ظروف کرایه گرفته تا سالن‌های تولد و مراسم عقد. اما عبداللهی می‌گوید، بخش قابل توجهی از این واحدها در شرایط اقتصادی کنونی قادر به ادامه فعالیت نیستند. در ماه‌های گذشته سالن‌های عقد و دفاتر تشریفاتی بدون نظارت رشد قارچ‌گونه‌ای داشته‌اند؛ برخی از آنان بدون مجوز و بدون رعایت ضوابط بهداشتی و ایمنی فعالیت می‌کنند و مالیات نمی‌پردازند. این واحدهای غیرمجاز بازار را به‌هم ریخته و تالارهای دارای مجوز را به حاشیه رانده‌اند. معضل دیگر، افزایش فعالیت تالارهای وابسته به نهادهای دولتی و نظامی است که بدون رعایت ضوابط اتحادیه و بدون پرداخت مالیات، خدمات ارائه می‌دهند. این رقابت ناسالم، فشار مضاعفی بر کسب‌وکارهای خصوصی وارد کرده است. علاوه بر اینها در بسیاری از موارد، تالارهای رسمی با صرف هزینه‌های سنگین و رعایت استانداردها بیکار مانده‌اند، در حالی که واحدهای غیرقانونی بدون مسئولیت‌پذیری در حال فعالیت هستند. در این بازار آشفته، هزینه برگزاری مراسم نیز به‌طور تصاعدی افزایش یافته است. رئیس اتحادیه می‌گوید: قیمت پایه هر مهمان برای یک مراسم ساده حدود ۴۰۰ هزار تومان است و تالارها ورودی بین ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان می‌گیرند؛ این در حالی است که باغ‌های اطراف تهران از ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان ورودی دریافت می‌کنند و ۹۰ درصد آنها مجوز ندارند. وقتی برگزاری یک مراسم

گروه اجتماعی: بیژن عبداللهی، رئیس اتحادیه تالارهای پذیرایی و تجهیز مجالس تهران، اعلام کرده که صنف تالارها به وضعیت بحرانی رسیده است. او می‌گوید که تعداد مراسم‌ها کاهش یافته و تالارهایی که ظرفیت ۵۰۰ یا ۷۰۰ نفر دارند، امروز برای ۵۰ یا ۶۰ مهمان سرویس می‌دهند. این کاهش ظرفیت در حالی رخ داده که هزینه یک مراسم ۴۰۰ نفره به حدود ۴۰۰ میلیون تومان رسیده، در حالی که مراسمی با ۶۰ مهمان دست‌کم ۶۰ تا ۷۰ میلیون تومان هزینه دارد. در چنین شرایطی روشن کردن یک سالن بزرگ نه‌تنها غیرمنطقی است بلکه هزینه‌های سنگین برق، پرسنل و تجهیزات را نیز جبران نمی‌کند.

آمارهایی که نگران‌کننده‌اند

آخرین گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که وضعیت ازدواج، طلاق و باروری در ایران به‌طور قابل توجهی تغییر کرده و این تغییرات، تبعات عمیقی برای جامعه و اقتصاد کشور به همراه داشته است. طبق داده‌های منتشر شده در ۷ ماه اول سال ۱۴۰۳ تعداد ۲۷۴ هزار و ۵۹۶ ازدواج در کشور ثبت شده است که در مقایسه با سال‌های گذشته، روند نزولی را نشان می‌دهد. همچنین در همین مدت ۱۰۸ هزار و ۶۷۳ مورد طلاق ثبت شده که به طور جدی نشان‌دهنده نسبت طلاق به ازدواج حدود ۳۹ درصد در سطح کشور است. این نسبت در تهران به حدود ۵۲ درصد رسیده است به طوری که از هر دو ازدواج ثبت شده در تهران تقریباً یک طلاق در پی دارد. همزمان با کاهش ازدواج، میزان زاد و ولد نیز به شدت کاهش یافته است. طبق آمار رسمی ثبت احوال، تعداد ولادت‌ها در سال ۱۴۰۳ به حدود ۹۸۰ هزار نفر رسیده که کمترین رقم از دهه ۱۳۵۰ به این سو بوده است. معاون وزیر بهداشت نیز اعلام کرده که نرخ باروری کل (میانگین تعداد فرزند به ازای هر زن) اکنون به ۱/۴۸ کاهش یافته که از سطح جانشینی (۲/۱ فرزند) پایین‌تر است. این ارقام، هنگامی که کنار

ایرانشهر

رکورددار بیکاری

چرا بیکاری در خوزستان رکورددار و در خراسان جنوبی در حداقل است؟



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

مرکز آمار ایران در گزارشی که دیروز منتشر شده، اعلام کرد که نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر کشور در بهار ۱۴۰۴ به ۷/۳ درصد رسیده است. این شاخص نسبت به زمستان ۱۴۰۳ (۷/۸ درصد) و بهار سال گذشته کاهش داشته و نشان‌دهنده تداوم روند نزولی بیکاری در کشور است. آمار جدید اما جنبه مهم‌تری هم دارد: شکاف شدید بیکاری میان استان‌ها. خوزستان با ۱۳/۲ درصد بالاترین نرخ بیکاری کشور را ثبت کرده و پس از آن استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، ایلام و البرز قرار دارند. در مقابل، خراسان جنوبی با ۴/۱ درصد کمترین نرخ بیکاری را دارد. برای درک ابعاد مساله باید به آمار عمومی بازار کار نگاه کرد. جمعیت در سن کار ایران در بهار ۱۴۰۴ حدود ۶۵/۸ میلیون نفر برآورد شده اما تنها ۱۷/۱ میلیون نفر در بازار کار فعالند و از این تعداد ۲۵/۸ میلیون نفر شاغل و ۱/۹ میلیون نفر بیکار محسوب می‌شوند. به عبارت دیگر فقط ۳۸/۲ درصد جمعیت در سن کار شاغل هستند و بیش از ۴۰ میلیون نفر به دلیل تحصیل، خانه‌نشینی، ناامیدی یا سایر عوامل از بازار کار خارج شده‌اند؛ نرخ مشارکت اقتصادی ۴۰/۱ درصد در زمستان ۱۴۰۳ نیز بر همین ضعف تأکید می‌کند. نرخ بیکاری جوانان (۱۸ تا ۳۵ سال) ۱۴/۵ درصد و در میان زنان ۱۳/۷ درصد است، در حالی که بیکاری مردان ۶ درصد است. مشارکت اقتصادی زنان فقط ۱۴ درصد است در حالی که این شاخص برای مردان ۶۸/۴ درصد است. بنابراین هر چند نرخ بیکاری رسمی تکریمی شده، بخش بزرگی از جمعیت اصلاً وارد بازار کار نمی‌شود یا در دسته «غیرفعال» طبقه‌بندی می‌شود. از منظر ساختار شغلی، بخش خدمات با ۵۷ درصد بیشترین سهم اشتغال کشور را به خود اختصاص داده و بخش صنعت ۲۳ درصد و کشاورزی حدود ۱۵ درصد سهم دارند. کارشناسان معتقدند، کاهش نرخ بیکاری در بهار ۱۴۰۴ عمدتاً ناشی از رشد اشتغال در بخش خدمات و تحولات اقتصادی در صنعت و کشاورزی است؛ اما تمرکز ۵۷ درصدی بر خدمات نشان می‌دهد که اقتصاد از لحاظ ایجاد اشتغال صنعتی و کشاورزی همچنان ضعیف است و بخش خدمات نیز به علت ماهیت غیررسمی و کم‌بهره‌ری تولیدی ممکن است، مشاغل پایدار و باکیفیت ایجاد نکند.

